

ملت چیزی مطالبه شود، دریافت انعام و مرسومات و پیشکشها از طرف دولت بموجب قانون منسوخ میگردد.

واکنش نارضایی از اختلاف طبقاتی فاحش و مبارزه طبقات متوسط را با نظام اشرافی عصر در اصل ۸ و اصل ۹۷ متمم قانون اساسی میتوان دید که با صراحت کاملی عموم ملت را در مقابل قانون دولتی متساوی الحقوق قرار میدهد.

واکنش نارضایی ملت، در برابر تعدیات مستبدان زمانه و فقدان تأمین جانی و مالی که در سه اصل ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ متمم قانون اساسی منعکس شده است، نشان میدهد که چگونه ملت خواستار بوده است ملک و اموال خود را از تصرف غاصبانه حکام و خانها و هیأت حاکمه مصون دارد. و نیز میتوان با توجه باصول ۲۶ و ۲۷ متمم قانون اساسی و مواد و اصول دیگر آن دریافت که چگونه ملت از تمرکز قدرت در دست فردی واحد و سپردن امور دولت بافرد معین و مظالم و بیدادگری ناشی از این نوع حاکمیت بجان آمده و در پرتو قانون قوای مملکت را ناشی از ملت دانسته و با تفکیک آن بسه قوه مجریه، قضاییه، مقننه، سلطنت را مقید و محدود بشروطی میسازد و بمدد اصل ۵۹ متمم قانون اساسی از مداخله شاهزادگان بلافصل در امور حساس مملکتی چون وزارت و وکالت و جز اینها جلوگیری میکند.

اصل ۵۶ قانون اساسی با وضوح بیشتری نارضایی طبقات متوسط را از مخارج سنگین و کمرشکن دستگاه سلطنت وقت و اسراف و زیاده رویهای هیأت حاکمه در آن زمان منعکس میسازد.

باید دانست که متمم قانون اساسی بنا بمقتضیات زمان در دو نوبت با تشکیل مجلس مؤسسان تغییراتی حاصل کرد. از آن جمله:

مجلس مؤسسان مورخ ۲۱ آذرماه ۱۳۰۴ هنگام انتقال سلطنت از خاندان قاجاریه بخاندان پهلوی، اصول ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ متمم قانون اساسی را بموجب ماده واحد ملغی ساخت، همچنین در مجلس مؤسسان دیگری که در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۲۸ تشکیل یافت اصل ۴۸ قانون اساسی تغییر یافت و بموجب آن حق انحلال مجلس شورای ملی و مجلس سنا را جداگانه یا هر دو را در آن واحد باعلیحضرت پادشاه وقت تفویض کرد و اصل ۴۸ و هر یک از اصول دیگر قانون اساسی مورخ ۱۴ ذیقعد ۱۳۲۴ ه.ق و متمم آن که مخالف مقررات اصل ۴۸ قانون اساسی شده باشد نسخ گردید.

فصل چهارم

تأثیر و اهمیت گروهها و طبقات اجتماعی ایران در انقلاب مشروطیت

منشأ انقلاب و جنبش ملتها برای کسب آزادی و برقراری حکومت ملی و آزاد را باید در نارضایی مردم از مظالم حاکمیتهای مطلق و قدرتهای متعدی سیاسی و نبودن مساوات اجتماعی و اقتصادی جستجو کرد. در پاره‌ای از موارد نیز انقلاب و مبارزه بمنظور تأمین استقلال و بر ضد قدرت و حاکمیت اجنبی صورت پذیرفته است.

در پیدایش انقلاب مشروطه ایران و تبدیل حکومت از استبداد بمشروطیت هم عوامل فوق و هم عوامل دیگری مؤثر بوده است. مقام سلطنت در ایران قبل از مشروطیت تنها قدرت سیاسی محسوب میشد و قوای مختلف مملکتی، «قوه مجریه» و «قوه مقننه» و «قوه قضائیه» از یکدیگر منفک نبوده و این هر سه قوه در شخص سلطان وقت جمع بود. با اینکه در اواخر نیمه دوم قرن سیزدهم تأسیس مجلس شورای دولتی بسبب دول غربی در ایران معمول گردید ولی از آن نظر که وزیران و هیئت دولت در عمل مغلوب اراده سلاطین بودند قدرتی که بتواند موجبات محدودیت و تعدیل قدرت مطلق سلطنت را فراهم سازد وجود نداشت.

حکومت استبداد و مالکیت تاج و تخت در تحت عنوان ظل الله امکان اعمال هر نوع قدرت را بسلاطین می‌بخشد، از سوی دیگر فرمانروایان استانها و شهرستانها که از شاهزادگان، پسران و برادران شاه تشکیل میشد، در اغلب موارد سدی در راه برقراری حکومت قانون بود در انتخاب هیأت وزراء و حکام موضوع اطلاع و تخصص و صلاحیت در میان نبود، بلکه بموجب یک قاعده کلی مقامات کشوری و لشکری مورد معامله قرار میگرفت. از میان شاهزادگان و خانها و بزرگان و گاهی طبقات دیگر هر

فردی که میزان پیشکشی‌های تقدیمی را بالاتر میبرد، و یا برای اجرای نقشه‌های قوه مرکزی قابل اعتمادتر بود بحکومت نواحی مختلف مملکت و حتی بمقام وزارت و صدارت عظمی میرسید. حاکم هر ایالت با پرداخت مالیات بدهی آن شهر که برحسب معمول در کتابچه‌های مخصوصی ثبت میشد میتوانست فرمان حکومت را دریافت دارد و بموجب آن در محل مأموریت خود چون شاه کوچکی حاکم مطلق باشد، و با افزودن میزان هدایا و پیشکشی‌های سالانه بشاه و وزراء و سایر رجال نیرومند مرکز از عزل خود جلوگیری کند و با استبدادی مطلق بفرمانروایی بپردازد حکام مزبور هزینه تحصیل مقام و قدرت خود را برحسب معمول ضمن وصول مالیات و از طرق مختلف دیگر که تحمیل آن منحصرأ بر گرده کارگران و روستائیان و طبقات پائین بود تأمین می کردند. فقدان ترتیبات و اصول قانونی و اخذ مالیات، بحکام محل آن قدرت را می بخشید که علاوه بر میزان مالیات ممیزی شده در دفاتر مستوفیان با اعمال جابرانه و جوهری تحت عناوین مختلف برفع خود دریافت دارند و از این راه هزینه هدایا و پیشکشی‌های موظفی خود را از ملاکان و سرمایه داران محل مأموریت خود مطالبه نمایند، در این سلسله مراتب قدرت، طبیعی است که ملاکان و سرمایه داران نیز فشار افزایش مالیات و عوارض را بر طبقات ضعیف تر تحمیل خواهند کرد و این طبقات بودند که می بایست سنگینی و فشار کسر در آمد و ریخت و پاش خزانه مملکت را تحمل می کردند، بعبارت دیگر اصناف و پیشه‌وران و روستائیان قربانی این گونه نظام بودند.

۱- بعنوان نمونه آن چه سرپرسی سایکس در مورد استان خراسان گفته است نقل میشود: جمع مالیات و عواید در این ایالت در سال ۱۹۰۵ میلادی بالغ بر ۱۳۷۷۱۳ لیره و ۳۱۷۷۸ تن غلات بوده است، و از این مقدار مالیات جنسی مقداری صرف جیره قشون میشده است و فقط ۱۱۶۰ تن برای فروش باقیمانده است، والی خراسان مبلغی در حدود سی هزار لیره انگلیسی بیش از حد نصاب مالیات خراسان جمع می کرده است و از این مبلغ ۱۴ هزار لیره سهم شاه و ۶ هزار لیره بعنوان پیشکش بصدر اعظم می برداشته است بدین طریق ده هزار لیره باقی می ماند که بین وزیر و والی تقسیم میگردد ولی باید دانست که این مبلغ فقط چند صدم منافع والی بوده است و بر آن منافع دیگری از جمله ارقام زیر باید افزوده شود

الف - چند درصد از حقوق کلیه مستمریات نقدی بعلاوه ۲۰ درصد از وظایف و انعامات

←

جنسی

بدیهی است حرص جمع در آمد و اندوخته بیشتر در نزد حکامی که وضع اجتماعی و مقام آنها متکی بر اصل دریافت و پرداخت رشوه و اخاذی و بعبارت دیگر خرید و فروش مقام با منافع سرشار اتکا داشت، مسئله تضاد و اصطکاک منافع آنها را با طبقات مردم بوجود می آورد و چون مرجع صالح و داد گاهی برای رسیدگی بشکایات وجود نداشت، برحسب معمول خلافاکاریها و ظلم و تعدی حکام مأمورین مالیاتی نسبت بمظلومین و ستمدین گان مورد باز خواست قرار نمی گرفت.

نتیجه این سیستم غارت و زورگویی بخصوص در اوایل قرن چهاردهم هجری که دوران تهی بودن خزانه مملکت و افزایش مخارج فوق العاده دستگاه حکومت بود سبب ازدیاد روزافزون میزان مالیاتها و وضع عوارض مختلف و حقوق گمرکی جدید شد و آن هم بنوبه خود موجب آن گردید که در انقلاب مشروطیت ایران چون انقلاب کبیر سیاسی و اجتماعی فرانسه پریشانی وضع مالی حکومت و نحوه وصول مالیاتها و تحمیلاتی که از طرف حکام و مأمورین مالیاتی بمردم میشد نقش و اثر مهمی داشته باشد. محرومیت طبقات پائین اجتماع از حقوق انسانی همراه با بیم متفکران از خطر زوال استقلال مملکت بسبب نفوذ اجنبی رفته رفته موجب اتحاد و بستگی طبقات مختلف شهرنشین بر ضد حکومت زور و نفوذ سرمایه‌های خارجی در ایران گردید. شبهه‌ای نیست که نارضایی از حکومت و بجان آمدن از نابسامانی اوضاع در

→

ب - منافی از محل دادگستری

ج - منافی از حکومتهای کوچک و بخشداریهها و دیگر مشاغل، چنانکه شخصی مبلغی می پرداخت تا به شغلی منصوب گردد، چند ماه بعد او را از آن کار منفصل مینمودند و جانشین او مبلغی برای همان شغل می پرداخت و امید داشت که آن پست را مدتی کوتاه نگاهدارد.

د - مزدهای حاصل از طریق گسیل کردن مأموران مخصوص برای تحقیق و بازجویی در مورد شکایات واقعی یا ساختگی. حکام محلی از ترس مبالغ زیادی باین مأموران می پرداختند و آنها هم بنوبه خود میبایست آن پول را بارباب‌های خود می پرداختند فقط صدی چند آنرا برای خود نگاه میداشتند

ه - تمول‌های بادآور همچون بهنگام مرگ ثروتمندان، استانداران یا فرمانداران بزور مبالغ

زیادی از وراثت میگرفتند.

میان همه طبقات محروم از حقوق اجتماعی پدیدار بود، ولی در کشوری که اطاعت افراد از حکومت وقت براساس اعتقاد بمنزلت ظل‌اللهی مقام سلطنت استوار بوده است، تمایل بتغییر رژیم و قبول مشروطه مخصوص طبقاتی بود که با اصول حکومت دموکراسی و آزادیخواهی آشنایی داشتند و با علم به چنین اصولی در نهضت مشروطیت و انقلاب آزادیخواهان شرکت جستند و چنانچه شرح آن خواهد آمد با سمت رهبری گروههای ناراضی ملت، ایران را از حکومت استبدادی بسوی سلطنت مشروطه سوق دادند.

بشهادت تاریخ رهبری انقلاب را اقلیت روشنفکر که سالها شیفته تمدن غرب و از تربیت یافتگان معارف و مکاتب آزادیخواهی باختر زمین بودند به‌مراهی و کمک دو طبقه مؤثر اجتماع یعنی روحانیان و بازرگانان بعهده گرفت و با مساعی و از خود گذشتگی طبقات متوسط و توده مردمی عامی که بدرستی معنی و مفهوم حکومت مشروطه درک نمی‌کردند ولی از اوضاع آشفته زمان و مظالم طبقه حاکمه بجان آمده بودند نهضت مشروطیت برقرار شد. و ما در این فصل بذکر مختصری از نحوه فعالیت و تأثیر هر یک از طبقات و گروههای اجتماعی و سهمی که در جنبش مشروطه در ایران داشته است میپردازیم:

تأثیر روشنفکران

گسیل داشتن دانشجو بخارج از کشور بر اثر احتیاج به متخصصان و آشنایی با مدنیت غربی و تأسیس سازمانهای فرهنگی بسبب جدید در ایران، گروه خاصی را در اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هـ.ق در ایران بوجود آورد که روشنفکران باشند.

پیش از تأسیس دارالفنون، بهره‌مندی از تمدن غرب آغاز گشت، علوم جدید هم مانند علوم قدیم تا پیش از تأسیس دارالفنون، خاص اشراف درباری و سرمایه‌دارانی بود که توانایی و امکان تحصیل در خارج از کشور را داشتند ولی پس از پدید آمدن دارالفنون و امکان ورود دانشجویان با استعداد از هر طبقه بان مؤسسه و بدنبال آن تأسیس مدارس جدید دیگری که از اواخر سلطنت ناصرالدین‌شاه از طرف ایرانیان و بعضی اقلیتهای مذهبی ایجاد گشت، نه تنها قسمت مهمی از حوزه تعلیم از مساجد و مدارس قدیم و در نتیجه از نفوذ روحانیان قشری خارج گشت و مقدمات تحول تمدن روحانی و درهم

شکسته شدن تسلط عقاید و سنتهای مذهبی بر کلیه شوئن علمی و قضایی تهیه شد، بلکه تشکیل نیروی فعال جدیدی در صحنه سیاست مقدور شد و گروه روشنفکران به گردانندگان چرخ مشروطیت پیوستند.

در ایران پیش از مشروطیت روشنفکران (صاحبان مشاغل تخصصی عالی چه از طبیب چه مهندس و حقوق‌دان و خواه نویسندگان و دانشمندان) که تحت تأثیر تمدن و فرهنگ جدید تعلیم یافته باشند بشماره قلیل بودند و قسمت ناچیزی از طبقه متوسط را تشکیل میدادند، با اینهمه باید اذعان کرد که بیداری و آگاهی ملی در آغاز بصورت فعالیت گروه روشنفکران چه در ایران و چه از خارج از ایران ظاهر شد، این گروه گرچه از لحاظ کمیت قلیل بودند ولی از نظر کیفیت مؤثرترین و مهمترین نیروی موافق و عامل سازنده جنبش و انقلاب مشروطیت بشمار رفتند.

سهم مؤثر و مهم اقلیت روشنفکران را در زمینه تحولات اجتماعی و سیاسی که از نیمه دوم قرن سیزدهم و بخصوص در اوائل قرن چهاردهم هجری در ایران پدید آمده است باید عامل اساسی بشمار آورد و ما در فصل دوم از این بخش بطور اختصار بعواملی که موجبات بیداری و نهضت فکری ایرانیان را بدست اینگروه فراهم ساخت اشاره کرده‌ایم. بنابراین تاریخ فعالیت روشنفکران و مبارزه دامنه‌دار آنها با عناصر ارتجاعی و استبداد بخاطر کسب حکومت مشروطه و تحول بیسابقه و عمیقی که در نتیجه فعالیت این گروه در نحوه حکومت مطلق ایران بوجود آمد سابقه‌ای طولانی‌تر از سایر طبقات اجتماعی ایران دارد و بحق باید گفت که سهم و ارزش واقعی این نیرو با توجه به فعالیت آنها برای در هم شکستن سنن و آداب کهن و مقابله آنان با دشواریها و موانعی که بقیامت از دست دادن جان و مقام و وضع اجتماعی آنها تمام میشده است عظیمتر و مؤثرتر از عوامل دیگر سازنده نهضت چون روحانیان و بازرگانان بوده است.

در تاریخ تحول حکومت و رژیم جدید ایران بحق باید گفت فشاندن بذر آزادیخواهی و هوشیاری ملی و تهیه زمینه مساعد انقلاب در عصری که استبداد بحد شدت خود بود و هرگونه فعالیت بمنظور رشد فکری و آگاهی توده مردم در خفا و نهان صورت می‌گرفت خاص گروه روشنفکران بوده است، تشکیل انجمنها، انتشار روزنامه‌ها که از ارکان مهم مشروطیت گردید و مندرجات آن از اخبار سیاسی دولتهای متمدن و انتقاد و استهزای اوضاع وقت ایران بود بیشتر بقیامت تبعید و حبس و شکنجه و در

پارهای موارد بقیه جان اقدام کننده تمام میشد.

از بررسی وقایع اجتماعی ایران از سال «۱۲۶۵ ه.ق» بعد که نشان دهنده بیداری ایرانیان و شروع باخذ تمدن و علوم جدید است معلوم میشود که مسبب پیدایش آن رجال روشنفکر بودند، روشنفکرانی که پاره‌ای از آنها با تصدی مقامات مهم صدارت و وزارت و نمایندگیهای سیاسی در زمان کوتاه زمامداری خود بر رغم محدودیت وسایل و کارشکنی دولتهای خارجی که برای هر نقشه اصلاحی در ایران بمخالفت برمیخواستند توفیق حاصل کردند.

خدمات میرزا تقی‌خان امیر کبیر و میرزا حسین‌خان سپهسالار و همچنین میرزا علی‌خان امین‌الدوله و دیگر وزیران آزادیخواه در زمان تصدی مقامات دولتی و صدارت عظمی، در زمینه اصلاحات فرهنگی با تأسیس مدارس و انجمن معارف و سعی در تربیت عامه مردم و هوشیار ساختن آنها با ترویج جرائد و تأمین آزادی نسبی مطبوعات، همچنین اصلاحات اداری مخصوص در زمینه تشکیلات قضایی و دارائی مملکت و ترویج صنایع جدید و اصلاحات مختلف دیگر که برنامه آن بر اساس محکمی تدوین و آغاز شده بود در عین آنکه نور ضعیفی از علم و آزادیخواهی در بین طبقات مردم و حتی دربار پرتو افکن ساخت موجبات مخالفت معاندان و رجال کهنه‌پرست سودجو را فراهم کرد. و دسته‌های مختلفی از مردم بخصوص مذهبیان قشری که تجدد در شئون و رسوم مملکت را مغایر استقلال ملک و مخالف شریعت تلقی کردند با اقدامات مختلفه مانع از اجرای نقشه‌های اصلاح طلبانه رجال - روشنفکر گردیدند و با مخالفت خود موجبات برکناری و احیاناً تبعید و قتل آنها را از کار فراهم ساختند.

نکته شایان توجه در تأثیر فعالیت آزادیخواهان آن است که اینگروه با قدرت روحی فوق‌العاده و با علم و ایمان با اصول آزادیخواهی و حکومت ملی بمبارزه پرداختند. استبداد مطلق زمان مانع از اجرای نقشه‌های آنها نگردید. انگیزه آنها در این مبارزات تبدیل حکومت ایران بسطنت مشروطه مطابق حکومتهای ملی دولتهای غربی و نشر آزادی و تساوی حقوق بود و در این راه استبداد زمان و یا بیم از دست دادن مقام و منزلت اجتماعی در دستگامهای حکومتی مانع از آن نبود که در ضمن تشریح مفاسد زمان و حکومت دربار ذهن اولیای امور را از خلال گزارشهای سیاسی و نامه‌های خصوصی با اصول آزادیخواهی و تغییر روش مملکتداری آشنا سازند. مطالعه دقیق این

گزارشها و نامه‌ها که در عین حال از روح شهامت و شجاعت نویسندگان آنها نیز حکایت میکند خالی از لطف نیست و ما در اینجا بنقل مفاد برخی از آن نامه‌ها میپردازیم:

روح آزادیخواهی و قدرت فکری میرزا تقی‌خان امیر کبیر صدراعظم سلطان مستبد زمان، ناصرالدین‌شاه و میل مفرط او به برقراری انتظامات و اصلاحات اجتماعی بحدی بود که هیبت و عظمت مقام سلطنت مانع از آن نشد که وی در نامه خود بناصرالدین‌شاه او را با این بیان بتکالیف حکومتی متذکر سازد:

«ثانیاً در باب سان سواره نانکلی، مقرر فرموده بودید که در میدان نمیشود بیرون بروید، اگر آجودان باشی عرض کرده یا خود اختیار فرموده‌اید امر با قبله عالم است ولیکن باین طفره‌ها و امروز و فردا کردن و از کار گریختن در ایران باین هرزگی حکماً نمیتوان سلطنت کرد... شما باید سلطنت بکنید یا نه؟ اگر شما باید سلطنت بکنید چرا طفره میزنید، هر روز از حال شهر چرا خبردار نمیشوید؟ که چه واقع میشود و بعد از استحضار چه حکم میفرمایید.»

میرزا حسین‌خان مشیرالدوله که از رجال روشنفکر ایران بود در طی اقامتهای طولانی خود در ممالک خارج بخصوص در زمان تصدی سفارت ایران در عثمانی، تحت تأثیر تحولات تجدد خواهی و حکومت ملی قرار گرفته و اصول افکار سیاسی و نتیجه تجربیات خود را بصورت گزارش‌هایی بدربار ناصرالدین‌شاه و همچنین امنای دربار و دولت ارسال میداشت، این گزارش‌ها در بیداری و تنویر افکار هیأت حاکمه بی‌تأثیر نبوده است. بیشتر گزارش‌های وی مربوط به تحول حکومت و نهضت آزادی افکار و

۱- بی‌مناسبت نیست اگر از نظر مقایسه بذکر قسمتی از مفاد نامه جانشین چنین شخصیتی، که بتحریر دولتهای خارجی بر علیه اصلاحات تجدد خواهانه امیرکبیر قدم برداشته و موجبات اختلال امور ایران را فراهم ساخته اشاره کنیم:

میرزا آقاخان نوری «اعتمادالدوله» صدراعظم و جانشین امیرکبیر در تاریخی که شاه برای سان قشون میبایست بمیدان مشق می‌رفت، در عریضه‌ای بحضور شاه معروض داشت «هوا سرد است ممکنست بوجود مبارک صدمه‌ای برسد...» و با این عبارت او را از رسیدگی بأمور کشور بازداشته و باستراحت و تفریح دعوت نمود. نقل از متن نامه میرزا تقی‌خان و میرزا آقاخان نوری ناصرالدین‌شاه، از کتاب سیاستگران دوره قاجار، صفحات ۱۷ و ۱۸

تمایلات مشروطه‌طلبی در کشور عثمانی است: از آنجمله در گزارش مورخ ۱۹ ذی‌عقده سال ۱۲۸۳ قمری، مبنای حکومت ملی و نهضت مشروطیت و خواست ملت عثمانی را درباره انعقاد مجلس شورای ملی بدین‌طریق تشریح می‌کند.

«سلاطین عثمانی در هیچ عصر و ایام مردمان عاقل مدبر که از عهده مملکت‌داری توانند برآیند نبوده‌اند، ولکن و کلای مدبر و عاقل همیشه وجود داشته‌اند و اداره مملکت در عهده آنها بوده است، و سلاطین را از اسراف منع نموده و خزانه دولت را معمور نگاه میداشته‌اند، و کلای حاضر چنانکه باید در مقابل اوامر و خواهشهای سلطان مقاومت نم‌توانند، و روزبروز کار ملت عثمانی عقب افتاده عوض اینکه اداره شصت کرور عبادالله و سرنوشت همه آنها درید قدرت چهار، پنج نفر و کلا است، بهتر نمیشود که در دست سیصد یا چهارصد نفر مبعوثان ملت بیفتد، و کلای دولت در نزد مجلس «پارلمنت» مسئول و مواخذ باشند و افعال ایشان محل ایراد و تحسین عمومی واقع شود و اگر خطایی کردند، این دسته معزول و دسته دیگری روی کار آمده، مشغول خدمت دولت و ملت گردند، اگر قرار بشود که اشخاص معدود همیشه تا زنده‌اند در سر کار باشند و دولت را بقول خود قرار بدهند، سایر مردم بچه امید خدمت خواهند نمود، و این بلیه بطور عمومی شده است، که در مجلس و محفل جمیع طبقات تبعه عثمانی بجز ذکر این فقرات حرفی گفته و شنیده نمیشود.»^۱ و نیز مطالعه مفادنامه^۲ میرزا یوسف خان مستشارالدوله که یکی از روشنفکران و رهبران نشر فکر آزادی است و در تاریخ ۱۳۰۶ هـ.ق در عین شدت حکومت استبداد، بمظفرالدین میرزا ولیعهد، معروض داشته است شایان تأمل است و ما در اینجا به برخی از مطالب آن اشاره میکنیم میرزا یوسف خان ضمن انتقاد از اوضاع وقت در نامه‌ای بحضور مظفرالدین میرزا، افکار خود را درباره اصلاح مملکت و لزوم حکومت قانون چنین توضیح میدهد:

«رفع خطرات و چاره اشکالات ایران را بهمین دو کلمه میتوان اصلاح نمود: باید از اعمال گذشته چشم پوشید و شروع بتأسیس قوانین تازه نمود.» برای متذکر ساختن اشتباه درباریان و وزراء که مورد طرفداری آنها از وضع موجود و استبداد و

۱- از کتاب فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت، صفحه ۶۴

۲- از کتاب بیداری ایرانیان، تألیف ناظم‌الاسلام کرمانی، صفحات ۱۷۶ تا ۲۰۴

مخالفت با اصلاحاتی که متقدمان روشن فکر در اتخاذ اصول جدید مملکت‌داری و حکومت قانون کردند چنین بیان می‌کند «والا باین حال باشتباه وزراء و درباریان دولت از حیز امکان و قدرت انسان بطور یقین خارج است که بتوان عظمت و اقتدار سلطنت قدیمه ایران را در این دو روزمان مجدداً بوسایل نیاکان خود در خارجه و داخله مملکت نگاهداری و حفظ نمود» در جای دیگر از همین نامه لزوم وضع قانون و اجرای آن را در مملکت با این عبارات متذکر میگردد: «پس بعهده مأمورین سیاسی و ملکی است، همیشه بر وفق مقتضای عصر و احتیاج زمان رفتار نموده، هفته‌ای یکروز بمفاد آیه کریمه «وشاورهم فی الامر» با توافق یکدیگر از روی حقیقت در تصفیه امور دولت و ملت شور نمایند، زیرا از بدیهیات است، احکام خداوندی در هر دین واضح و آشکار است و حق آفتابی است علی‌السویه عالم را روشن و نورانی میکند و پوشیدن آن در میان هیچ ملت ممکن نیست، پیر غلام شاید بقدر کفایت از احکام قرآن مجید و احادیث نبوی «ص» اطلاع داشته باشد. شریعت مطهره اسلام ابداً منافی قوانین عادلانه نیست خاطر مقدس بندگان اقدس امجداسعدوالا، روحانفاده را از پیش آمد امور روزگار مطلع مینمایم که با این ترقیات فوق‌العاده اروپائیان چندی نخواهد گذشت، موقع حال اهالی ایران مقتضی آن خواهد شد که لابد و لاعلاج دولت ایران در سخت‌ترین روزگار در عداد دول Costitution برمیآید و باقتضای ملک و مملکت مناسب وضع و طبایع مواد قانون را مجری مینماید و نتیجه معتنا به حاصل میکند، این ممالک وسیعه و اهالی و ملل متبوعه در اجرای قانون بیک اسم و بیک چشم در تحت بیرق وطن پرستی میآورد و احکام عادلانه حریت افکار و مساوات حقوقیه را جاری نموده، دیگر گوش بسخنهاهی واهی نمیدهد، چون پیش آمد کار از آینده خیر میدهد، لهذا بشخص حضرت اعظم والاروحانفاده، واجب و متحتم است که قلب مبارک شاهنشاه اسلام را بعراض صادقانه از استنباطات مزورانه درباریان آگاه نمایند که جد و جهدایشان برای منافع دو روزه خودشان است، نه از برای قوام سلطنت ایران» و نیز در خاتمه نامه درباره لزوم مساوات و برابری سیاسی چنین متذکر میشود: «عموم طبقات باید در امور خیر و شر مملکت سهیم و شریک باشند» از جمله حقوق بشری آزادی قلم و بهره‌مندی از معارف را توصیه مینماید: «باید آزادی قلم داده شود و در نشر معارف و تأسیس مدارس جدید جد بلیغ نمایند، و برای بار آوری درخت مساوات بیشتر از همه واجب است، بدیوانخانه‌های عدلیه

و ملکيه و محکمه نظم درست داده شود که بر طبق آن قوانین عادلانه، مال و مکتت جمیع تبعه، بلاتفاوت و بدون توفیر و ملاحظه مصون از تعرض داخله و خارجه باشد، آنوقت خود دولت در دایر نمودن بانک، ایجاد کارخانجات، کشیدن خطوط راههای آهن؛ از مکتت و ثروت اهالی وطن محتاج بدیگران نخواهد شد.»

آثار قلمی و نوشته‌ها و رساله‌های آزادیخواه معروف، میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله و تعالیم وی اثری عمیق در افکار دیگر روشنفکران، خواه رجال سیاسی دربار، خواه روحانیان و تحصیل کردگان آن عصر داشته است، نامبرده بحق مکتبی بوجود آورد که اکثر آزادیخواهان آنعصر از پرورش یافتگان آن بشمار می‌آمدند. تشکیل اولین مرکز تجمع سیاسی «فراموشخانه» و وحدت و توافق فکری روشنفکران بمنظور طرح مشترک و منظم برنامه اصولی حکومت قانون در ایران بتوسط میرزا ملکم‌خان و پس از آن از طرف پیروانش بنام «جامع آدمیت» و تأثیر مهمی را که این مجامع در بیداری طبقات خاصی از مردم داشته است، بجای خود از مهمترین و شایسته‌ترین خدمات گروه روشنفکران به برقراری حکومت مشروطه باید دانست. تجمع اقلیت روشنفکران فوق، مقدمه تأسیس مجامع و انجمنهای سیاسی دیگری در آغاز انقلاب و پس از اعلام مشروطیت گردید که فعالیت اعضاء آن برهبری تحصیل کردگان آزادیخواه در قیامهای ملی تأثیر بی‌اندازه داشته است.

در سلسله عوامل و موجبات انقلاب در فصل دوم، از همین بخش بمقام مطبوعات و انتشاراتی که موجب هوشیاری و نهضت فکری عمومی شده است اشاره کردیم و بیان داشتیم که ناشران روشنفکر با قلم سحرآسای خود بتبیه مندرجات تند و انتقادی روزنامه‌ها و سایر انتشارات انقلابی پرداختند و بدین وسیله نهال انقلاب را مدتی پس از انقلاب تاریخی ۱۳۲۴ ه.ق «۱۹۰۶ میلادی» نشانند، انتشار اصول افکار سیاسی پیشروان نهضت آزادی خواهی که بصورت رساله‌هایی مدون شده بود، در مجامع و

۱- برای اطلاع از متن کامل نامه، بکتاب بیداری ایرانیان، صفحات ۱۷۶ تا ۲۰۴ رجوع شود.

۲- مانند رساله یک کلمه، تألیف میرزا یوسف‌خان ستشارالدوله، سیاحتنامه ابراهیم بیک و

رساله‌های میرزا ملکم‌خان:

انجمنهای مخفی که مقارن انقلاب بوجود آمده بود بهترین وسیله راهنمایی و بیداری و تحریک توده‌های مختلف مردم واقع میشد و با نشان دادن راه و اسلوب صحیح حکومت بافکار و خواسته‌های انقلابیها وحدت و هماهنگی می‌بخشد.

اقلیت محدود تحصیل کردگان در انقلاب مشروطیت از آن جهت که مظهر اصلاحات اروپایی و علوم جدید بودند از حمایت طبقات عامی و توده ملت برخوردار نبودند، و با اینکه مخالفان انقلاب برای خنثی کردن فعالیت این اقلیت با نسبت بیدینی و طبیعی‌گری و بایگیری بمبارزه برخاستند و بدینوسیله از وجهه ملی آنها میکاستند باز هم قدرت معنوی و حسن تدبیر آنها در مبارزه مشروطیت اثری غیر مستقیم ولی عمیق در میان طبقات مختلف داشته است و علاوه بر اینکه در «نهضت فکری نیم قرن پیش از مشروطیت» بحق این گروه عامل اصلی بوده‌اند در قیامهای ملی سالهای ۲۳ و ۲۴ ه.ق با نقش رهبری و مدیریت پنهانی و علنی اثر قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند.

پاولویچ در بیان شرکت طبقات مختلف ملت در جنبش ملی، بسهم قابل توجه دانش‌جویان ایرانی نیز اشاره نموده و معتقد است: صفوف مقدم تظاهرات خونین سال ۱۹۰۶ میلادی را جوانان و دانشجویان مدرسه پلی تکنیک و دانشکده فلاحت و مدرسه علوم سیاسی تشکیل میداد، شور و هیجان ملی برای کسب آزادی در میان نسل جوان بپایه‌ای بود که توان گفت گروه بسیاری از دانشجویان ایرانی مقیم ممالک فرانسه و انگلستان و بلژیک تحصیل خود را ترک کردند و برای شرکت بر ضد اصول اداره مندرس قدیمی مملکت بایران بازگشتند.^۱

سهم تحصیل کردگان را در تدارک نظامنامه انتخابات و مواد و اصول قانون اساسی و متمم آن نادیده نمیتوان گرفت.

افراد کمیته وضع قانون انتخابات بوظیفه خطیر خود در برابر مساعی و جانبازی انقلابیها در سالهای پر تشنج انقلاب، با احاطه و اطلاع کاملی که در علم حقوق و مسائل حکومت ملی داشتند، آگاه بوده و با گنجاندن لفظ Constitution در فرمان و دستخط مظفرالدین شاه قدرت را از دست درباریان خارج ساختند.

سازش و اتحاد دو نیروی مؤثر روحانیان و روشنفکران در انقلاب ملی ایران با

سابقه مخالفت اصولی که در اجرای برنامه واحد تمدن و علم جدید از ابتدای شروع آن

در عهد ناصرالدین شاه با یکدیگر داشتند، در تاریخ تحول حکومت‌های ملی از لحاظ شرکت طبقات اجتماعی با تضاد هدفها شایان توجه است و وجه تمایز انقلاب ایران از جنبشهای تاریخی آزادیخواه دنیا در قرن نوزدهم میباید. روشنفکران که بمنظور حفظ حقوق اساسی و آزادی فرد با حکومت استبداد بمبارزه برخاستند حصول منظور خود را در تقسیم قدرت دولت و تفکیک و انفصال قوا در لوای حکومت مشروطه بسبب دولتهای غربی میدانستند و یکی از شرایط پایداری و استقرار حکومت ملی را در محدود ساختن قدرت روحانی و تفکیک آن از قدرت دولت می‌شمردند و این منظور در تنظیم و اجرای برنامه‌های اصلاحی بدست بعضی از رجال روشنفکر دوران پیش هشیارانه پیش‌بینی شده بود، و حال آنکه روحانیان بخاطر کسب قدرت بیشتر و مداخله روزافزون در امور سیاسی مملکت در انقلاب شرکت کردند و ما در تأثیر روحانیان روشن خواهیم ساخت که یکی از علل شرکت روحانیان در انقلاب مشروطیت تمایل ضد اجنبی بوده است، باید متوجه بود که تنها محدود ساختن نفوذ اقتصادی دولتهای خارجی منظور نظر نبوده است، بلکه بیم روحانیان بیشتر از بسط نفوذ تمدن غربی در شئون معنوی و فرهنگی و اجتماعی مملکت بوده است؛ و حال آنکه اهتمام روشنفکران در انقلاب مصروف و معطوف این بود که جنبش را بمسیر طبیعی هدایت کنند و اصول حکومت دموکراسی را که موافق اخذ فرهنگ و تمدن جدید اروپایی و برانداختن عوامل پذیرش حکومت مطلقه و استبداد بوده است جاری گردانند.

عدم تجانس فکری و مغایرت هدفهای انقلاب کنندگان، بخصوص روحانیان و روشنفکران سبب شد که دوران اتحاد و بستگی ایندو گروه دیری نپاید و پس از تحصیل فرمان مشروطیت و تشکیل مجلس اول دوام نیاورد، چنانکه تباین خواسته‌ها و تضاد افکار و سلیقه‌ها در مرحله تنظیم نظامنامه انتخابات و تدوین متمم قانون اساسی آغاز گشت.

بقول یکی از مؤلفین^۱ «جمعی از آزادیخواهان و اشخاص مطلع مانند صنیع‌الدوله، مخبرالسلطنه، مشیرالملک، محتشم‌السلطنه، بعضی از نظامنامه‌های انتخابات ملل دیگر را ترجمه و تعدیل کردند و نظامنامه انتخابات را ترتیب دادند و حال آنکه با دو اشکال برخورد کردند و این اشکال از طرف دو گروه روحانیان و رجال مستبد درباری بود که ولیعهد در باطن در رأس آنها قرار گرفته بود، روحانیان چنین نظر داشتند

که از بابیه‌های ناصرالدینشاهی یعنی منورالفکران و بی‌اعتقادان بروحانی نمایان کسی داخل مجلس نشود و منظور رجال مستبد این بود که قوای مملکت فقط در تحت اراده شاه باشد و تجزیه نگردد» و نیز در تأیید اختلاف سلیقه اصولی روحانیان و روشنفکران در مورد تدوین متمم قانون اساسی چند نمونه میتوان آورد.

آزادیخواهان شریعت خواه با اصل هشتم متمم قانون اساسی «اهالی مملکت در مقابل قانون دولتی متساوی‌الحقوق خواهند بود»، بمخالفت برخاستند و مسئله عدم تساوی مسلمان و کافر ذمی را در مورد حدود و دیه عنوان نمودند و در مورد اصل نوزدهم متمم قانون اساسی «تأسیس مدارس بمخارج دولتی و ملی و تحصیل اجباری باید مطابق قانون وزارت علوم و معارف مقرر شود و تمام مدارس و مکاتب باید در تحت ریاست عالی و مراقبت وزارت علوم و معارف باشد»، از آن نظر که تحصیلات اجباری مخالف شرع تلقی شده بود مورد اعتراض روحانیان قرار گرفت و همین گروه در مورد اصل بیستم «عامه مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضره بدین مبین آزاد و ممیزی در آن ممنوع است»، بمخالفت برخاستند.

مسئله حاکمیت ملی و شرعی علاوه بر اینکه موجبات تغییر جهت رهبران روحانی و سایر علما و روحانیان را بعد از فرمان مشروطیت فراهم ساخت، در مشروطه اول در درون مجلس نیز بین رهبران جنبش ملی اختلافاتی ایجاد کرد و به تشکیل دو جبهه یکی اقلیت تندرو متشکل از روشنفکران و آزادیخواهان با حمایت انجمنهای ملی و مطبوعات برهبری «سید حسن تقی‌زاده» و دیگری اکثریت برهبری و پیشوایی رؤسای روحانی انقلاب «سید عبدالله بهبهانی» و سایر منتقدان مجلس که از تجار و سرمایه‌داران بزرگ بودند منجر شد و بدین ترتیب اتحاد روشنفکران و روحانیان را بر هم زد و این جدائی در مراحل بعدی و انقلاباتی که منجر باستبداد صغیر و حوادث دیگر گردید مؤثر افتاد.

تأثیر روحانیان

قبل از انقلاب مشروطیت در تاریخ حکومت‌های ایران، مسئله حاکمیت ملت هرگز در میان نبود، برای قدرت شاهان و سلاطین مبداء «الهی» قائل بودند و در واقع

حکومت را نماینده‌ای از مشیت الهی میدانستند. این اعتقاد موجب نوعی سازش میان دو قدرت مذهبی و سیاسی گردید و این امر بخصوص با ظهور دین اسلام و تمرکز هر دو قدرت دینی و دنیوی در وجود خلفا تقویت شد.

رسوخ احکام و قوانین این شریعت که بجنبه دینی و غیر دینی تقسیم نشده و بر اساس عدالت اجتماعی و مساوات و برابری افراد است و استقرار مقررات آن، با اینکه موجب از بین رفتن اختلاف طبقاتی فاحش رژیم مبنی بر امتیازات نسبی زمان ساسانیان گردید ولی بالمال نتوانست منشأ تحولی عمیق در نظام سیاسی و اجتماعی ایران گردد. در طول تاریخ ایران با روی کار آمدن تدریجی سلسله سلاطین بعد از اسلام با اینکه بموجب موازین شرعی بطور کلی رابطه شاه و رعیت باید مبنی بر اساس عدالت و حقوق متقابل باشد، باز هم استبداد شاهان و حکومت اشرافی حکام و ظلم و تعدی مأموران نسبت به طبقات پائین اجتماع تا ظهور مشروطیت ادامه یافت.

طبقه روحانیان ایران که پیرو مذهب شیعه میباشند اعتقاد باین اصل دارند که پیغمبر اسلام «ص» جنبه روحانیت را با رهبری سیاسی و حکومت دینی توأم ساخته و برای رهبری جامعه مسلمانان بامر حق حکومت را پس از خود بحضرت علی (ع) که جانشین منصوب است تفویض کرده است و در تفسیر آیه معروف «اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم» آیه ۶۲ از سوره نساء» میگویند که اولی الامر، امامان و پس از آنها جانشینان ائمه هستند. بنابراین اصل پس از حضرت محمد «ص» حکومت جامعه اسلامی باید بدست حضرت علی (ع) و جانشینان آنحضرت که ائمه اطهار باشند بطور موروثی اداره شود و پس از غیبت آخرین امام در اواخر قرن سوم هجری (نهم میلادی)، در غیاب آن حضرت مجتهدان و فقهای دین سمت رهبری جامعه مسلمانان را بامر خداوند خواهند داشت.

تفسیر اصل امامت مذهب شیعه موجب آن گردید که طبقه روحانی در ایران بسلاطین بچشم غاصب مقام خلافت و حکومت بنگرد و دعوی قدرت و حکومت دنیوی را داشته باشد و خود را حافظ نظم و عدالت اجتماع و حاکم حقیقی بداند. و نیز همین عامل خود سبب شده است که بین روحانیان و توده ملت که بمعقودات دینی خود پایبند میباشند یک نوع عاطفه حمایت و طرفداری از یکدیگر در مقابل دولتهای غاصب بوجود آید. قبول اصل اتحاد دو قدرت دینی و دنیوی از طرف روحانیان شیعه و وحدتی که بین

این طبقه با عامه ملت وجود داشت ایجاد یک نیروی مقتدر در برابر نیروی دولتی کرد و در پرتو آن روحانیان موفق شدند که قدرت خود را در امورات سیاسی نیز اعمال نمایند و در جریان وقایع و حوادث تاریخی بنام دین و قوانین شرعی سهمی مؤثر داشته باشند. حکومتهای وقت نیز از این نیروی مذهبی که اعتماد قسمتی از عامه ملت را پشت سر داشت و در واقع با داشتن حق اختیار و تصرف در حصه بزرگی از مالیات اسلامی که از منابع مهم در آمد ملی میتوانست محسوب شود برحسب معمول عموم مردم با میل و رغبت بروحانیان میپرداختند در باطن ناراضی بودند و دخالت روحانیان را در امور مملکت سدی در برابر نقشه‌های اصلاحی خود می‌دانستند. در بررسی وقایع تاریخی در پاره‌ای از موارد بطور استثناء بر میخوریم باین که دولتهای وقت بنا بمقتضیات زمان و عواملی چند از برای پیشرفت مقاصد خویش از این نیروی متشکل مذهبی استفاده نموده و ببرزگداشت و حمایت آنها مبادرت ورزیده در نتیجه موجبات اقتدار زیاد آنها را در جریان سیاست مملکت فراهم ساخته‌اند، از موارد استثنائی که بگذریم سلاطین بنا بمصالح وقت و در پرتو تمرکز قدرت کوشیده‌اند از اعمال قدرت و مداخله بیش از حد این طبقه در صحنه سیاست و امور دیگر جلوگیری نمایند، در اینحال و در چنین موارد آن تضاد باطنی بصورت تصادم آشکار و علنی بین دو قدرت دولتی و دینی خودنمایی و جلوه‌گری نموده است، نمونه این تصادمات و مبارزات بین دو نیروی دولتی و روحانی را می‌توانیم در حوادث مهم تاریخی ایران از اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم ه.ق و طی تحولاتی که در شون سیاسی و اجتماعی ایران مقارن انقلاب مشروطیت روی نموده است باسانی باز یابیم:

از جمله علل مهم این تضاد و مقابله آشکار در انقلابات اخیر ایران با وجود معتقدات قوی که ظاهراً شاهان و پاره‌ای از درباریان نسبت بمسائل دینی و اصول مذهبی خود داشتند و احترام بشعائر مذهبی را رعایت میکردند. اختلاف و دودستگی جامعه روحانیت آن زمان بر سر مسایلی چون ریاست جامعه روحانیت و منافع مادی حاصل از تولید موقوفات معتبر بوده است. بعبارت دیگر تضاد و اختلاف داخلی طبقه روحانیان و جانب‌داری و حمایت پاره‌ای از آنها از اعمال و نیات هیأت حاکمه وقت، موجبات وارد ساختن اهانت و تزییقاتی از طرف هیأت‌های حاکمه نسبت بعهده‌ای از روحانیان را فراهم

ساخت^۱ و سبب شد که در بحرانهای تاریخی و انقلاب مشروطیت ایران این دو نیرو در صف برابر یکدیگر قرار گیرند.

روحانیان، همچنانکه اشاره شد نفوذ شدید در میان عوام داشتند، قدرت و اعتبار آنها پس از روی کار آمدن سلسله صفویان که سلاطین آن خود از میان این طبقه برخاسته بودند، افزایش یافت و پاره‌ای از آنها در نتیجه تصدی موقوفات و منافع حاصل از تیولداری در صف متعین و مالکان بزرگ در آمدند و این وضع را کمابیش در دوره قاجاریان نیز حفظ نمودند.

باید دانست همکاری دو قدرت دینی و دنیوی که در زمان سلطنت صفویان بعد شدت خود رسید پس از روی کار آمدن جانشینان صفویان بتدریج کیفیت خود را از دست داد، چنانکه در انقلاب مشروطیت، روحانیان بعلمی چند بر ضد سلاطین وقت و استبداد زمان و مفساد درباریان و مهمتر از آن در مقابل نفوذ اجنبی در شئون مملکت قیام کردند. با اینکه برخی از روحانیان متعین بخاطر تنعم و بهره‌مندی از دستگاه حکومت وقت در باطن با انقلاب مخالف بودند و در حفظ سنن پافشاری میکردند، و عده‌ای دیگر نیز بسبب محافظه کاری جنبه بیطرفی را برگزیده بودند. باز هم اکثریت پیشوایان و علماء با توجه به بیداری طبقات مختلف مردم و نارضایی از اجحافات دستگاه حاکمه، بخصوص نفوذ بیگانگان مداخله خود را بطور مؤثر و قاطعی در جریانات وقایع سیاسی و جنبشهایی که بمنظور برقراری عدالت و قطع دست اجنبی از شئون مملکت روی داد آغاز کردند و وظیفه خود را با حصول موفقیت و گرفتن فرمان مشروطیت انجام دادند.

حاج میرزا حسن مجتهد آشتیانی، با حکم بحرمت استعمال دخانیات اولین قدم را از طرف روحانیان بر ضد تسلط و استثمار خارجی برداشت و چون باو تکلیف شد که بمنظور رفع حرمت استعمال دخانیات یا در ملاء عام غلیان بکشد یا از ایران خارج شود، وی با قبول شق دوم شور و هیجان خاصی در مردم بوجود آورد، و موجبات وحدت طبقات ملت را فراهم کرد. روحانیان بحمايت از منافع صنفی تجار در ضمن ارسال تلگرافاتی چند بتوسط پیشوایان خود بشاه وقت و متذکر ساختن زیانهای ملی ناشی از اعطای امتیازات خارجی، همچنین با تشکیل دسته‌هایی منظم از علماء و طلاب، با

۱- رجوع شود بفصل سوم این مجموعه

تظاهرات دامنه‌دار و وسیع و شعارهای مذهبی قوه و قدرت ملی را در مقابل قدرت دولتی که تا این تاریخ مطلق العنان بوده و تالی نداشت نمودار کرده و با وحدت و هماهنگی ملی موفقیت خود را تضمین کردند.

پس از موفقیت ملت در واقعه رژی قدرت روحانیان در امور سیاسی و اجتماعی افزون شد. ظلم و اجحافات که از طرف حکام ولایات نسبت بعموم و بخصوص اهانتی که از طرف آنها در بعضی از نقاط ایران نسبت بطبقه علماء و طلاب صورت میگرفت از جمله عواملی بودند که موجبات مخالفت این طبقه و نفوذ آنها را در امور جاری شدیدتر کرد. پیوستن دو تن از مجتهدان بنام تهران آقایان سید محمد طباطبایی و سید عبدالله بهبهانی که از بزرگترین و مؤثرترین مقامات روحانی در انقلاب مشروطیت بودند، بمنظور حفظ موقع و منافع صنفی پس از توهینی که بامر عین‌الدوله بمنظور خائف ساختن طبقه روحانی نسبت بیک تن از مجتهدان بنام کرمان و چند تن دیگر از علماء انجام گرفت موجبات تقویت و وحدت بیش از پیش این طبقه را فراهم کرد و از این پس بطور آشکارا در مقام مخالفت و ضدیت با حکومت وقت برآمدند.

وعاظ ضمن بیانات مذهبی بذکر مظالم مأموران دولت و اقدامات مظفرالدین شاه می‌پرداختند و مذمت از نفوذ خارجی و بخصوص مسئله گمرک احساسات مردم و بخصوص طلاب و سادات و دیگر گروههای ملی را که خود زمینه مساعد و آماده‌ای داشتند برمیانگیختند. در برانگیختن مردم و بیدار ساختن آنها مساعی و عاظ بنام و مشهور تأثیر مهمی داشته است، شیخ محمد واعظ اصفهانی «سلطان‌المحققین» با سحر بیان خود واقعه انهدام ساختمان نیمه تمام بانک استقراضی روس را بوجود آورد، و همچنین شهامت و صراحت لهجه واعظ مشهور دیگر سید جمال‌الدین اصفهانی که در غالب مواعظش با تشریح مفساد زمان توده‌های عوام را بحقوق خود آشنا میکرد وظیفه مهمی را در پیدایش هیجان ملی ایفا کرد. مواعظ و مطالب مؤثر علماء و واعظان معروف زمینه تمایل توده‌های عوام را بهمراهی و پشتیبانی از مقاصد علماء و تجار در وقایع و حوادث تاریخی که بصورت اعتصابات عمومی و ملی جلوه‌گری کرد فراهم ساخت و موجب بیداری و قیام آنها بر ضد مظالم استبدادی گردید. دامنه فعالیت روحانیان بصورت مهاجرت باماکن زیارتی و بست نشینهای متعدد همراه با تبلیغات گوناگون تا صدور فرمان مشروطیت بصورت شدید ادامه داشت.

بطور کلی باید دانست که فعالیت‌های مداوم این گروه و بخصوص پشتیبانی که علماء و مجتهدین نجف در ضمن انتشار بیانیه‌ها و فتاوی خود کردند تأثیر فوق‌العاده عمیقی در بین طبقات متوسط «کسبه و پیشه‌وران» بخشید و تکان محکمی بتوسعه نهضت انقلابی ایران داد.

موافقت و همراهی آیه‌الله میرزا حسن شیرازی، مقیم سامره در مورد مسئله تحریم تنباکو با آیه‌الله میرزا حسن آشتیانی و تلگرافاتی که وی بمنظور پشتیبانی از علماء ایران بناصرالدین شاه مخبره کرد و بدنبال آن فتاوی نجف و تلگرافهای آنها مبنی بر تأیید خواسته‌های علماء ایران، در تأسیس مجلس شورای ملی و حکومت مشروطه همانطور که فوقاً اشاره شد در تقویت مشروطه‌طلبان تأثیر مهمی داشت.^۱

۱- متن تلگراف ثانی حضرت آیه‌الله میرزای شیرازی بحضور ناصرالدین شاه چنین بود «بشرف عرض حضور اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی خلدالله ملکه میرساند: سابقاً دعاگو عرضیه‌ای تلگرافاً در باب مفاسد مداخله خارجه در داخله مملکت ایران بحضور مبارک عرض نموده بود. جوابی از جانب اولیاء دولت قویشوکت نقل نمودند که کاشف بود از آنکه بمفاسد اجرای این امور حق‌التفات نفرمودند و چون اغماض از آن منافی رعایت حقوق اسلام بود. لهذا ثانیاً بعرض مبارک می‌رساند که مفاسد انفاذ امور بمراتب اعظم تر (کذا) از مفاسد صرف نظر از آنهاست. کدام مفسده با اختلال قوانین ملت و عدم استقلال سلطنت و تفرق کلیه رعیت و یأس آنها از مراحم ملوکانه برابری میکند. چگونه میشود که با وجود اینکه در قرون متداوله اولیاء دین مبین و سلاطین مسلمین شکرالله مساعیهم آنهاهم اتلاف نفوس و بذل اموال خطیره در اعلائی کلمه اسلام بفرمایند. امروز باندک فایده با ترتیب مفسده از تمام اغماض نموده و کفره را بر وجه معایش و تجارت آنها مسلط کرد تا بالاخره اضطرار با آنها مخالطه و مواده کنند و بخوف و با رغبت ذلت نوکری آنها را اختیار نمایند و کم کم بیشتر منکرات شایع و متظاهر شود و رفته رفته عقایدشان فاسد و شریعت اسلام مختل النظام گشته و خلق ایران بکفر قدیم خود برگردند. البته شدت و اضطراب و وحشت رعیت و استتکاف علماء اعلام را در انفاذ این امور بعرض مبارک نرسانیدند و بر دولت اغفال نمودند زیرا که این امور قابل انفاذ نیست و نخواهد شد. هر چند منجر بانلاف نفوس شود والا از حزم خسروانه مأمول نبود رضا دهند رعیت که فی‌الحقیقه خزانه عامره دولتند بالمره از وجوه تجارت و مکاسب خود مسلوب‌الاختیار و مقهور کفار باشند بدیهی است اولیاء دولت قویشوکت را از اجرای این امور جز ترقی مقصدی در نظر نیست. بهتر آن بود که این رنج را در ترتیب اتباع دولت قویشوکت متحمل ←

از بررسی تاریخ انقلاب ملتها برای بدست آوردن حکومت ملی و دموکراسی از آنجمله: انقلاب کبیر فرانسه بدست می‌آید که مبارزه ملت بر ضد قدرت مطلق دولت و هم بر ضد روحانیت و کلیسا صورت گرفته است. زیرا روحانیان در شمار طبقات ممتازه و حامی و حافظ امتیازات حکومت وقت بودند و حال آنکه در ایران روحانیان برای نیل بمشروطیت در صف اول مبارزه در میان بازاریان و روشنفکران و آزادیخواهان قرار داشتند.

شایان توجه در این جنبش آن است که حربه آزادیخواهان و مشروطه‌طلبان از طرفی و مستبدین و مخالفان از طرف دیگر مسئله شریعت و دین بود. هر یک از دو طرف با سلاح دین و مطرح نمودن قوانین شرعی بمبارزه می‌پرداختند، مستبدان برای برگرداندن مردم از آزادیخواهان نسبت بیدینی و بایی بودن را بمجاهدین راه مشروطیت میدادند و اساس حکومت مشروطه و عدالتخانه را خلاف موازین و احکام شرعی قلمداد

→ شوند که هم سبب جمعیت قلوب رعیت و امیدواری آنها گردد و هم منافعی با قوانین ملت و استقلال دولت نباشد. مأمول از عنایات ملوکانه چنانست که عرایض صادقانه دعاگو را با تأمل ملحوظ نظر انور و در جمع قلوب رعیت بذل مرحمت فرمائید تا بکمال امیدواری و شکرگزاری مشغول دعاگوئی دوام ذوات جاوید مدت باشند الامرالاقدم الاعلی مطاع محمدحسن‌الحسینی»

تاریخ وصول این تلگراف چهارم رجب ۱۳۰۹ هجری قمری بوده است؛ بنقل از کتاب بیداری ایرانیان تألیف ناظم‌الاسلام کرمانی.

و نیز متن بیانیه مجتهدان مقیم نجف را در جواب سؤال روحانیان تهران در مورد تأسیس مجلس شورای ملی نقل مینمائیم:

بسمه‌تعالی و به نستعین: بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم: صلی‌الله علی محمد و آله‌الطاهرین و لعنه‌الله علی‌القوم‌الظالمین الی‌الیوم‌القیامه:

«اما بعد. با تأییدات الهی و مراحم سماوی و زیر توجیحات هادی عالی شأن حضرت صاحب‌الزمان «روحانفداه» قوانین مجلس مذکوره همانطور که بیان کرده‌اید مقدس و محترم بوده و بر جمیع مسلمانان فرض است که قوانین مجلس مزبور را قبول و بموقع اجراء بگذارند. اقدام بر علیه مجلس بمنزله مقاومت در برابر احکام دین حنیف میباشد بناء علیه تکرار نموده می‌گوئیم: وظیفه مسلمین است که در هر جنبش علیه مجلس جلوگیری نمایند:

امضاء محمدکاظم خراسانی

نقل از کتاب مشروطیت تألیف پاولویچ صفحه ۳۵

میکردند، آزادیخواهان نیز در اعلامیه‌ها و نشریات و موعظه‌های خود با استناد بآیات عدیده قرآن و احادیث و اخبار در مذمت سلطنت مطلق و ظلم و استبداد، توجه طبقات مختلف ملت را بسوی خود جلب و آماده انقلاب بر ضد حکومت ستمگر میکردند.

شرکت روحانیان در انقلاب مشروطیت و اینکه بدنبال روشنفکران و تحصیل کردگان مکتب تمدن غرب در صف اول مبارزه قرار گرفتند، این مسئله را برای ما پیش می‌آورد که هدف واقعی و انگیزه آنها از مبارزه برای انقلاب و حکومت مشروطه چه بوده است؟ با احتمال علل متعددی در کار بوده و ما اهم آنها را بعنوان فرضیاتی مطرح می‌کنیم:

در درجه اول شاید بتوان گفت تمایل ضد اجنبی در روحانیان اسلام سبب شد در مقابل امتیازاتی که بخارجیان داده میشد و همچنین نفوذ بیحد و حصر آنها در شؤونات اجتماعی، سر مخالفت بردارند. شرکت روحانیان در شورش بر ضد امتیاز تنباکو^{۱۳۰۶} «ه.ق» که در حقیقت باید آن را مبدأ نهضت مشروطیت نامید، به پشتیبانی از منافع صنفی تجار، همچنین در قیامهای دیگری که از طرف بورژوازی تاجر ایران بر ضد نفوذ سرمایه‌های خارجی و امتیازات اعطائی صورت میگرفت، علاوه بر تأیید مطلب فوق نکته دیگری را نیز بر ما آشکار میدارد که عامل وحدت بیشتر ایندو طبقه (روحانیان و بازاریان) وابستگی اقتصادی روحانیان بتجار و کسبه است و نشان میدهد که بازاریان بعلت اعتقادات مذهبی پیش از همه طبقات دیگر فرایض مذهبی را اجرا میکردند و در پرداخت واجبات مالی «خمس، زکات، و سهم امام و جز اینها» به روحانیان ساعی‌تر بوده و اهمال و سستی در آن را جایز نمیدانستند.

این اتحاد و بستگی با مجاورت مرکز فعالیت آنها «بازار و مسجد» و اینکه مسجد مرکز تجمع تجار و بخصوص کسبه و پیشه‌وران بوده تقویت می‌شد. در حوادث و وقایع تاریخی که بمنظور برقراری مشروطیت روی داده است، بازاریان و روحانیان هسته مرکزی انقلاب را در بازار و مسجد تشکیل داده‌اند. «س. ایرانسکی، مخالفت با استعمار ایران را توسط بیگانگان انگیزه مبارزه روحانیان در انقلاب ندانسته بلکه معتقد است از اولین روزی که سرمایه خارجی باآرامی در ایران نفوذ کرد روحانیان از اینکه شاهان و درباریان عایدات حاصله از امتیازات و دریافت وامهای متعدد و غیره را بخود تخصیص میدادند و ضمن معامله سهم و حصه‌ای از این منافع بروحانیان تعلق نمیگرفته است

دلتنگ بوده‌اند.^۱

بررسی عمیق وقایع تاریخی نیم قرن پیش از انقلاب این فرض را پیش می‌آورد که روحانیان علاوه بر آنکه بعلت تمایل ضد اجنبی در پاره‌ای از اصلاحات بسبک اروپایی: همچون موضوع فرهنگ و دستگامهای اداری و قضایی در زمان ناصرالدینشاه و اقدامات صدراعظم او امیر کبیر و سایر وزیران آزادیخواه بعمل می‌آمد ناراضی بودند، از نظر آنکه این کیفیت بیشتر وضع اقتصادی و سیاسی آنها را نیز بمخاطره میانداخت و بمنافع ایشان لطمه وارد می‌آورد دلخور بوده‌اند: از آنجمله امیر کبیر با تنظیم دادگاههای عرفی و توسعه دامنه فعالیت و اختیارات مأموران آنها، بقدرت و صلاحیت دادگاههای مزبور افزود و حق رسیدگی بدعاوی حقوقی اقلیتهای مذهبی را از محاضر شرع سلب کرد و در صلاحیت دادگاههای عرفی قرار داد. پس از امیر کبیر وزیران دیگر از جمله میرزا حسینخان مشیرالدوله «در سال ۱۲۸۷ ه.ق آغاز تصدی وزارت عدلیه و پس از آن در زمان صدارت عظمی و سپهسالاری» اقدامات وی را دنبال کرد، و بتدریج متصدیان دیوان عالییه با سلب حق قضاوت در امور جنایی و حقوقی از روحانیان، همچنین اعزام مأموران دیوان عالییه بعنوان ناظر در اداره دستگامهای مذهبی و نظارت بر املاک موقوفه دایره نفوذ و منافع روحانیان را محدودتر کردند. همه اینها سبب شد که نقشه‌های اصلاح طلبانه و اقدامات مترقیانه‌ای که در اداره امور اجتماعی و فرهنگی مملکت اجرا میشد با مخالفت دسته‌های مختلفی از مردم از آنجمله روحانیان روبرو گردد بویژه که روحانیان ترویج آداب و رسوم غربی را مخالف شریعت اسلام تلقی می‌کردند و تجدد در شوئن مملکت را اعلام خطری میدانستند.^۲

بنابراین احتمالاً میتوان گفت یکی از علل شرکت این طبقه در انقلاب مشروطیت، حفظ وضع اجتماعی و تقویت و تحکیم حقوق و امتیازاتی بوده که بتدریج بیم از دست دادن آنها میرفته است ولی باید دانست که روحانیان در عین اینکه بخاطر تحکیم و حفظ منافع مادی خود از جریان روز و عدم رضایت تجار استفاده کردند و

۱- انقلاب مشروطیت ایران: ترجمه باقر هوشیار صفحه ۱۳۹

۲- مخالفت حاج ملاعلی کنی، مجتهد متنفذ تهران با اقدامات میرزا حسینخان مشیرالدوله در زمان صدارت از عوامل مؤثر و مهم سقوط و معوق ماندن نقشه‌های اصلاحی او گردید. در بر کناری میرزا علیخان امین‌الدوله و بعضی دیگر نیز مخالفت علماء بی‌تأثیر نبوده است.

تدوین و تنظیم قانون اساسی و متمم آن نافذ و عملی گشت. این طبقه بموجب اصل دوم متمم قانون اساسی حقوق و امتیازات از دست رفته خود را تأمین کردند و با تعیین ۵ نفر از علمای طراز اول بنمایندگی از طرف طبقه روحانیان بمنظور نظارت در وضع قوانین مجلس و تطبیق لوایح و طرحها با موازین و احکام شرعی موجبات بسط نفوذ خود در قوه قانونگذاری کشور فراهم ساختند.

ولی باید توجه داشت که چنانکه یادآور شدیم حمایت و پشتیبانی روحانیان و اتحاد آنها با روشنفکران که بقول ادوارد برون انگلیسی بجنبش ملی ایران سیمای خوش آیندی داده بود دیری نپایید و پس از اعلام مشروطیت و افتتاح مجلس شورای ملی روحانیان با اتکاء بحقی که قانون اساسی بآنها اعطا نموده بود با پاره‌ای قوانین اصلاحی و آزادی مطبوعات و جراید مخالفت کردند. عده زیادی از روحانیان با پشتیبانی گروهی از علمای نجف که خود از آغاز انقلاب با علماء و مجتهدان مجاهد ایران برای گرفتن مشروطیت در باطن هماهنگی نداشتند و پیشروی و توسعه جنبش ملی را مغایر و مخالف شرع قلمداد میکردند. برخی از علماء نجف ضمن ارسال پیامها و تلگرافات عدیده طبقات مختلف مردم و انجمنها و اتحادیه‌های اصناف را از مداخله در امور سیاسی کشور منع می‌کردند و با ارباب جراید بسبب انتشار مقالاتی که از نظر آنها مخالف مصالح دین بود باب مخالفت باز کردند.

شک نیست که مسئله تفاوت و اختلاف هدف مبارزان در انقلاب مشروطیت سبب شد که پس از افتتاح مجلس شورای ملی و برقراری حکومت مشروطه جناح متحد آزادیخواهان در هم شکسته شود و بخصوص نفاق و اختلاف سلیقه روحانیان بزرگ شیعه و پیوستن بعضی از آنها بطرفداران محمد علی‌شاه و درباریان وی و حمایت از خواسته‌های مرتجعان در ایام فترت، همچنین تبلیغات سوئی که بر ضد آزادیخواهان می‌کردند به پیدایش دو جبهه با افکار متضاد یکی «شریعت طلب» و دیگری «مشروطه خواه» منجر شد، و بدینوسیله موجبات تضعیف جبهه آزادیخواهان و تقویت و تشجیع مرتجعان فراهم گردید. و نیز باید دانست که در این مورد بخصوص، حمایت روحانیان عتبات تأثیر مهم و شایان توجه داشته است.

رهبری روحانیان مخالف مشروطیت با شیخ فضل‌الله نوری بود، و علت مخالفت نامبرده ظاهراً بر سر مسئله ریاست روحانی و حسادت و رقابت وی با پیشتوایان روحانی

بمبارزه با دستگاه حاکمه برخاستند به مسئله جلب تمایل عموم ملت نیز متوجه بوده‌اند. توده ملت را فشار استبداد و فساد دربار و تضییقات و تعدیات حکام و عمال دولتی همچنان که در صفحه‌های پیش اشاره شد بجان آورده بود، پاره‌ای از افراد ملت بسبب عوامل متعددی که در فصول گذشته از آنها سخن رفت صاحب افکار نوی گشتند و تشنه اصلاحات و اجراء عدالت و احقاق حق خود بودند. هیچ چیز جز اجرای خواسته‌ها و تمایلات آنها را قانع و راضی نمیکرد، گروههای عظیمی از انقلابیان در ابتدای مبارزه اگر چه مفهوم مشروطیت را درک نمی‌کردند ولی خواهان تحولاتی مبنی بر اجرای قانون شرع بمنظور رفع ظلم و احجافات بودند، از طرف دیگر برای توده‌های عوام نیز که عاجز از درک روح زمان بودند زمینه پذیرش تبلیغات علما و روشنفکران، نظر بسختی معیشت و نابسامانی و ناپایداری وضع آنها در نتیجه تعدی و ظلم مأموران دیوان از هر حیث آماده بود و خواه ناخواه بصف انقلاب طلبان کشانده میشدند.

مجتهدان بزرگ و دیگر روحانیان به پیروی از خواسته‌های اکثریت ملت بمنظور رفع ظلم و بیعدالتی با سلاح دین از آن نظر که مبانی و اصول حکومت مشروطیت را با اصل عدالت و مساوات در مذهب اسلام منطبق میدانستند بمبارزه برخاستند. شبهه‌ای نیست که با قبول این فرض مبارزه مجتهدان طراز اول و سایر علماء و طلاب بصورت تبلیغ در اماکن زیارتی و حوزه‌های درس و همچنین بست‌نشینی‌های متعدد، در درجه اول به سبب مفاسد دستگاه فرمانروایی و مظالم حکام و بمنظور برقراری حکومت قانونی بر اصل موازین شرع مبتنی بوده است، ولی این مسئله با عوامل احتمالی که قبلاً توضیح داده شد نمیتواند مانع‌الجمع باشد. هدف کسب قدرت بیشتر و نفوذ در امور سیاسی مملکت که روحانیان اسلام آنرا از جمله حقوق مسلم خود میدانسته‌اند نیز در دل و اندیشه آنها مؤثر بوده و همچنین تمایل ضد اجنبی و مخالفت با نفوذ سرمایه‌های خارجی و همچنین عدم موافقت با اصلاحات مترقیانه مبنی بر تمدن اروپایی محرک آنان گردید و آنان را بمنظور مبارزه با استبداد و ظلم در صف انقلاب وارد ساخت.

توجه بامار نمایندگان روحانی در عصر اول مشروطیت این نکته را بر ما آشکار میدارد که این گروه بمقاصد اصلی خود که کسب قدرت سیاسی بیشتر و نفوذ در شئون اجتماعی مملکت باشد بطور محسوسی توفیق یافتند. در مجلس اول رهبران روحانی انقلاب در صف نمایندگان جای داشتند قدرت آنها در صحنه سیاست پارلمانی در مورد

مشروطیت بوده است، چون شیخ فضل‌الله نوری در باطن با مشروطه موافقت نداشته و از طرفی احتمال می‌رود که از ایادی دربار و موافقین عین‌الدوله بوده و در نهان بنفع مستبدین فعالیت می‌کرده است. چه وی در جریان مشروطیت و برقراری مجلس در صف رؤسای آزادیخواه پذیرفته نمی‌شود و مورد اعتماد ملیون واقع نمی‌گردد، نامبرده برای راه یافتن بمجلس و داشتن سهم و حصه‌ای در نظام جدید، در موقع تنظیم و تدوین قانون اساسی در میان روحانیان و تجار و کسبه متدین که با اصول حکومت مشروطه چندان آشنایی کامل نداشتند به تبلیغ پرداخته و مسئله مغایرت بعضی از اصول قانون اساسی را با قوانین شرع عنوان مینماید و بتدریج زمینه شریعت خواهی را بوجود می‌آورد، و نیز برای اینکه بتواند راهی بمجلس شورای ملی بیابد، اصلی مبنی بر لزوم هیأتی مرکب از پنج تن از علماء طراز اول را بامید آن که شامل حال خودش هم بشود عنوان میکند و برای قبولاندن آن بوسیله بعضی از طرفداران و هواخواهان خودش تلگرافی حمایت و پشتیبانی علماء نجف را در اینمورد خاص جلب مینماید، ولی چون از اینراه هم برای سیادت و ریاست خود نمیتواند طرفی ببندد، با کمک درباریان و چند تن از مجتهدان و علماء معروف دیگر: مانند حاجی میرزا حسن مجتهد تبریزی، حاجی خماسی و سید احمد طباطبائی، حاج شیخ عبدالبنی، ملا محمد آملی، و حاجی میرزاالطف‌الله را با خود همراه می‌سازد. ابتدا بطور نهانی بمبارزه شروع میکند و گروه کثیری از علماء و طلاب را با خود همداستان می‌سازد. این عده پس از چندی آشکارا با وسایل مختلف به بدگویی از مشروطیت پرداختند و در زمان بست‌نشینی در حضرت عبدالعظیم برای نشر عقاید مشروعه خواهی و مخالفت با مشروطیت بانتشار روزنامه‌ای بنام شیخ فضل‌الله مبادرت ورزیدند. مقالات روزنامه مزبور مردم را بر ضد مشروطیت تحریک می‌کرد.^۱ از سوی

۱- در اینجا بی‌مناسبت نیست که بذکر قسمتی از مفاد مندرجات یکی از شماره‌های این روزنامه پردازیم «جماعت آزادی طلب بتوسط دو لفظ دلربای عدالت و شوری برادران ما را فریفته و بجانب بی‌دینی میرانند و گمان می‌رود که عصر ریاست روحانی شما تاریخ انقراض دولت اسلام و انقلاب شریعت خیرالانام واقع بشود و چیزی نگذرد که حریت مطلقه رواج و منکرات مجاز و مسکرات مباح و مخدرات مکشوف و شریعت منسوخ و قرآن مهجور بشود و این سوء ذکر و عوار عظیم در شرح احوال شماها ابدالهر باقی بماند، شماها که بهتر میدانید که دین اسلام اکمل ادیان و

←

دیگر گروه مزبور با تأسیس انجمنی بنام انجمن آل محمد مرکزی برای تجمع ملاهای مستبد و مردم عوام تشکیل دادند و با ایراد نطقهایی بر ضد مشروطیت و بدگویی از اساس آن جمعی از اشرار را گرد خود جمع کردند و بازار آزادیخواهان و مخالفت با مشروطه خواهان پرداختند، و در حوزه علمی نجف نیز که مخالفت و موافقت آنها در انقلاب مشروطیت بیش از هر عاملی مؤثر بوده است روحانیان سهم و حصه‌ای مهم در اختلافات بین مشروعه و مشروطه داشته و بتشکیل دو جبهه موافق و مخالف مشروطه پرداخته‌اند. عده‌ای برهبری از سید کاظم یزدی که دارای مقلدان بسیار در ایران و همچنین عراق عرب بوده و بخصوص عشایر شیعه از او تقلید میکردند و او را پیشوای مطلق میدانستند نسبت بمشروطه‌خواهان اظهار بدبینی کردند و آنها را بیدین شناختند و دسته‌ای دیگر از طلاب روشنفکر برهبری آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و آخوند مازندرانی و حاجی میرزا حسین و حاجی میرزا خلیل که از علماء معروف شیعه بودند از انقلاب ایران حمایت کردند و در تقویت حکومت ملی و مخالفت با حکومت وقت مساعی بسیار مبذول داشتند.^۱

→ اتم شرایع است و این دین دنیا را بعدل و شوری گرفت آیا چه افتاده است که امروز باید دستور عدل ما از پاریس برسد و نسخه شوری ما از انگلیس بیاید نقل از تاریخ جراید و مجلات ج دوم ۱- و ما در اینجا بی‌مناسبت نمیدانیم بنقل تلگرافی مبنی بر حمایت از مجلس و مشروطه که از طرف روحانیون مشروطه خواه نجف بمجلس شورای ملی مخابره شده است پردازیم:

مجلس محترم شورای ملی رفع‌الله قواعد

تلگراف موحش انجمن شریف و اصل و از مخالفت مخالفین با مجلس محترم اسلامی خاطر قاطبه اهل اسلام ملول گشته، عموم اهل علم و کافه متخبین شریعت مطهره حضرت ختمی مرتبت صلی‌الله علیه و آله وسلم را اعلام میدارد که خداوند تعال گواه است که ما غرضی جز تقویت اسلام و حفظ دماء مسلمین و اصلاح امور عامه نداریم، علیهذا مجلسی که تأسیس آن برای رفع ظلم و اغاثه مظلوم و اعانت ملهوف و امر بمعروف و نهی از منکر و تقویت ملت و دولت و ترفیه حال رعیت و حفظ بیضه اسلام است قطعاً و عقلاً و شرعاً و عرفاً راجح و بلکه واجب است و مخالف و معاند او مخالف شرع انور و مجادل با صاحب شریعت است، رجاء واثق که تاکنون انشاءالله تعالی کسی مخالفت نکرده و نخواهد کرد و هرگاه بر خلاف این مضمون کتباً و تلگرافاً نسبتی بما داده شود کذب محض است. احضار را صلاح ندیدیم، مهات را اطلاع دهید.

الاحقر نجل حاجی میرزا خلیل - الاحقر محمد کاظم خراسانی - الاحقر عبدالله مازندرانی.

تأثیر بازاریان

بازرگانان و بطور کلی بازاریان که نیروی عظیم متشکلی را تشکیل می‌دهند در میان طبقات مختلف اجتماع ایران قبل از انقلاب تنها طبقه‌ای بودند که منافع اقتصادی و شغلی موجبات وحدت و اتفاق آنها را فراهم کرده بود و با داشتن تشکیلات و سازمانهای صنفی با حقوق مستقل، منزلت اجتماعی و اهمیت اقتصادی خاصی را که از دیر باز داشتند حفظ کرده بودند، این موقع بخصوص با بسط روابط بازرگانی ایران با دولتهای خارجی و توسعه اقتصاد تجارتهای و افزایش تعداد تجار در اواخر قرن سیزدهم تحکیم شد. در عمل طبقه بورژوازی قبل از برقراری نظام جدید در ایران تنها از کسبه و بازرگانان تشکیل میشد.

بازار که حکم مرکز فعالیت اقتصادی و سرمایه‌داری را دارد مانند شهر کوچک و واحد بسته‌ای است در این واحد بازرگانان بزرگ، صرافان، و بانکداران همراه با کسبه جزء و پیشه‌وران مرکز اساس فعالیت شهری را تشکیل میدهند.

تمرکز واحدهای اقتصادی و برقراری مؤسسات مذهبی «مسجد» و تفریحی «چون قهوه‌خانه‌ها» و سایر سازمانهای مورد احتیاج در یک جایگاه «بازار» بازار جنبه مرکزیت قدرت اجتماعی خاصی را در انقلابات و جنبشهای اوایل قرن چهاردهم ه.ق. ببعده بخشیده است. پاره‌ای از بازرگانان عمده، سرمایه‌گذاران بزرگ و نمایندگان کمپانیهای تجارتهای و واسطه‌های آنها، گروه خاصی را در این تجمع تشکیل میدادند که بسبب ارتباط تجارتهای با دول غربی و اقامتهای متوالی و طولانی در ممالک متمدن همجوار و تماس و آشنایی نزدیک باتمدن جدید و احیاناً مشاهده انقلابات ملل دیگر بخاطر بدست آوردن حکومت ملی، همچنانکه خود صاحب افکار تازه و نوینی شده بودند بطور غیر مستقیم در بیداری اجتماعی و هوشیاری دیگر بازاریان عامل مؤثر گردیدند. این گروه قلیل همراه با توزیع کالاهای تجارتهای، اخبار دست اول از دنیای آزادی را نیز توزیع میکردند روحیه کنجکاوانه و تمایل سودجویانه طبقات بازاری با دریافت نسیم تمدن و ایده‌های آزادیخواهی از دنیای غرب موجبات تشکلی افکار آنها را فراهم ساخت. در برابر اقداماتی که از طرف دولت در بازگذاشتن سرحدات ایران در برابر سیل کالاهای خارجی بعمل آمده بود روحیه محافظ کاری طبقه بازاری را از میان برد و بیش از پیش بایجاد اتحاد و هم بستگی دسته‌های مختلف شاغل در بازار «اعم از تجار ثروتمند

و مغازه‌داران و صاحبان حرف» و نیز بر قدرت آنها افزود و سبب شد که این نیروی متشکل در مواقع حساس تاریخی، بخصوص پس از ظهور انقلاب، گاه برای حفظ منافع صنفی خود و زمانی در ظاهر بمنظور پشتیبانی از نیروی مذهبی با جریانات سیاست روز بمخالفت برخیزد و باشیوه اعتصاب و تحصن چرخ اقتصاد مملکت و زندگی روزمره اکثریت مردم را از کار بیندازد. در حوادث مشروطیت و همچنین انقلابهای بعدی که در طی بیش از نیم قرن پس از برقراری حکومت مشروطه بخصوص در عصر اول و سوم مشروطیت رخ داده است. اینگروه همیشه سهم مؤثر و مهمی را به همراهی روحانیان و به پیروی اصلاح طلبان آزادیخواه در صفوف مقدم صحنه مبارزه بر ضد اراده حکام مستبد و عمال آنها برعهده داشته است.

در انقلاب مشروطیت در درجه اول منافع اقتصادی انگیزه بازرگانان بمخالفت با حکومت استبداد بود. همچنانکه در فصل اول در ضمن بحث از عوامل اقتصادی انقلاب اشاره کردیم، مسئله اعطای امتیازات اقتصادی بدولتهای روسیه و انگلستان و توسعه نفوذ سرمایه‌های خارجی در ایران ایجاد یک نوع اسارت اقتصادی را در مملکت پدید آورد، و طبعاً سبب دشواری فعالیت تجارتهای اتباع ایرانی در بازارهای داخلی و خارجی گردیده بود، و نیز روشن کردیم که چگونه مأموران گمرک و مالیاتی با وضع حقوق و عوارض جدید بعنوان خدمت بخزانة دولت بر تعدیات خود نسبت به تجار و اصناف ایرانی میافزودند و نیز چگونگی اثر اقتصادی گمرکهای داخلی و معاف کردن اتباع خارجی را از ادای تعرفه‌های گمرکی و فشار و تحمیلی که از این راه بر تجار ایرانی وارد میشده است و شرایط رقابت را در بازار تجارت سخت میکرده است بیان داشتیم.

باید دانست که علاوه بر علل سابق الذکر، مسئله هرج و مرج و ناامنی راهها بسبب راهزنیهای منظم وجود داشته است که غالباً قبیله‌های راهزن با حمایت دولت کاروانهای تجارتهای را غارت میکردند، و این خود یکی از عوامل موجد وخامت اوضاع بازرگانان داخلی بوده است. همراه با عوامل فوق، تعدیاتی که بخصوص از طرف حکام بر این طبقه چون سایر طبقات وارد می‌آید سبب شد که گروه کثیری از تجار و اصناف بستوه آیند و برای کسب و تجارت بخارج از کشور «بخصوص روسیه» مهاجرت کنند و عده‌ای نیز از تجار بزرگ برای حفظ موقع خود در بازار تجارت، بتابعیت و در مواردی هم تحت حمایت دولت روسیه تزاری در آیند. و چون زمینه مساعد برای اعتراض و

شکایت از نابسامانی اوضاع از هر حیث فراهم گردید، عکس‌العمل نارضایی این طبقه نیز بصورت انقلابات و جنبشهای عمومی بروز و خودنمایی کرد و در نخستین جنبش اعتراضی ملت بعملیات خودسرانه حکومت و درباریان، بازرگانان عامل سازنده شورش بودند.

انحصار دخانیات ایران و اعطای آن بکمپانی خارجی، زیانهای فاحشی ببازرگانان تنباکو فروش که در بین آنها تجار بزرگ نیز بودند میزد و از هنگامی که کمپانی رژی مشغول تهیه مقدمات کار خود بود، تجار بیکار نشستند و مخالفت خود را بر ضد انحصار اظهار میداشتند. در آغاز کار و فعالیت کمپانی مزبور، تجار عمده فروش تنباکو با همراه ساختن کسبه و دیگر بازاریان در اغلب شهرستانها از جمله: شیراز، تبریز، اصفهان، مشهد، کرمان و در تهران برای لغو امتیاز شروع بفعالیت کردند و از پذیرفتن نمایندگان کمپانی در بعضی نواحی جلوگیری نمودند.

شورش و مخالفت آنها بصورت اعتصابات عمومی و بستن دکانها و تجارتخانهها انقلاب را که ابتدا جنبه صنفی داشت با مداخله علماء و تحریم پیشوایان روحانی جنبه شرعی و عمومی بخشید. تجار در این مبارزه که با اسلحه مؤثر تحریم تقویت شده، و موجبات هیجان عمومی، و همراه ساختن قاطبه ملت را فراهم ساخته بودند، پیروزی یافتند و مقاومت منفی عمومی از ادامه فعالیت خارجیان جلوگیری کرد.

پیروزی در نخستین مبارزه منشأ مبارزات و جنبشهای دیگری از طرف بازاریان گردید و ما نمونه‌های متعدد آنها را در بررسی وقایع تاریخی و انقلابات سالهای ۲۳ و ۲۴ ه.ق، «۱۹۰۵-۱۹۰۶ میلادی» بر ضد قدرت مرکزی که اقتصاد مملکت را در استعمار خارجی قرار داده بود، و همراه با نارضایی از معاهدات تجارتنی دولت و تعرفه‌های جدید گمرکی تحمیلی، بصورت فعالانه می‌بینیم:

نمونه بارز مخالفت بازار با اقدامات خودخواهانه شاه، بصورت تحصن عده بسیاری در حدود ۱۴ هزار نفر بسفارت انگلیس شایان توجه بوده و سهمی بزرگ در پیروزی نهضت مشروطیت داشته است. باید دانست که در این مبارزات همراه با بازرگانان و صاحبان سرمایه‌های آزاد، دسته‌ای از طبقات متوسط رو پائین که مرکب از اصناف و پیشه‌وران بودند نیز در جریان جنبش‌های آزادیخواهی شرکت فعالانه داشتند. اصناف و پیشه‌وران نیز که مانند تجار مورد تضییقات و فشارهای شدید داخلی و خارجی

قرار گرفته بودند مانند ایشان در مقابل ظلم قیام کردند. باید اذعان کرد سهم و اثر اصناف و پیشه‌وران که حدود سه میلیون و پانصد هزار نفر از جمعیت ایران را تشکیل میدادند، بیگمان قابل ملاحظه بوده است و حتی تأثیر آنها در آغاز بیش ازتجار بود، و نیروی عظیمی از انقلابیان را تشکیل میداده‌اند.

اثر فعالیت این گروه در مجلس اول بیش از همه ادوار قانونگذاری نمودار است چه ایشان اکثریت مجلس را داشته‌اند. اشتراک منافع گروههای بازاری، موجبات پایداری وحدت آنها در اتخاذ خط مشی سیاسی ثابت در تمام جریانات تاریخی بعد از مشروطیت فراهم ساخته است. لیکن باید دانست که در نهضت مشروطیت، گرچه محرک عمومی این طبقه یک انگیزه منفی بود که خاتمه دادن بتسلط نفوذ خارجی باشد، ولی همچنانکه در گذشته اشاره نمودیم در میان آنها اقلیت قابل ملاحظه‌ای نیز بودند که چون روشنفکران با آشنایی باصول حکومت ملی و آگاهی بنواقص و عقب‌افتادگی کشور نسبت به تمدن جدید و توجه به زبان حکومت سلطنتی غیر مشروطه، هم در قیام ملی و هم در نهضت فکری بخاطر کسب آزادی شرکت جستند.

شهامت و پشتکار بازاریان و تاکتیک آنها در مبارزات چنانکه در تواریخ مشروطیت مصنوب است. انقلاب ایران را بحق صورت انقلاب بورژوازی تاجر داده است. با اینهمه بدلالی که بجای خود بیان خواهد شد تجار ایران بهره‌ای را که طبقات ممتاز فئودال و کارمندان عالی فئودال مشرب در انقلاب گرفتند نتوانستند بدست بیاورند.

تأثیر کارگران

همچنانکه در فصل تحولات اقتصادی اشاره شد، ایران موقع صنعتی خود را با پیشرفت صنایع جدید در غرب از دست داده و بخصوص صنایع دستی ایران چه در داخل و چه در خارج از مملکت تنزل فاحشی کرده بود، در اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری بدنبال سیاست اقتصادی نادرست و بر اثر ورود انبوه کالاهای خارجی در بازارهای اینکشور کارخانه‌های نوینادی که بسبک نو و بهمت سرمایه‌داران ایرانی از زمان ناصرالدین شاه بیعت تأسیس یافته بود بتدریج تعطیل گردید. چنین اوضاع خواه‌ناخواه نارضایی طبقه سرمایه‌داران و صاحبان کارخانه‌ها و همچنین کارگران بیکار

ایرانی را سبب گردید. صاحبان صنایع ملی بمنظور حفظ و توسعه صنایع خود در برابر تجاوزات خارجی بمبارزه پرداختند، در پاره‌ای از نقاط ایران بدنبال این نارضایی تعداد کثیری از کارگران برای تهیه کار عازم ترکستان و قفقاز و کشورهای همجوار شدند.^۱ در داخل مملکت با اینکه آمار صحیح و دقیقی از کلیه کارگران در دست نداریم با این همه میدانیم که در برخی از نواحی ایران از آن جمله: در شهرستانهای شمالی و تهران و اصفهان تعداد معدودی کارخانه که با اصول تولیدی جدید تأسیس شده بودند با شرایط رقابت سخت اجناس خارجی بکار خود ادامه میدادند^۲ در این کارخانه‌های نوین اتحادیه‌هایی از کارگران در رشته‌های مختلف صنایع با تشکیلات منظم که البته تعداد آنها خیلی اندک بوده در اوایل انقلاب بتدریج بوجود آمد.

بطور کلی باید دانست که در کلیه نقاط ایران کارگاههای صنایع دستی کوچک با کارگرانی که در شرایط سخت و بدون تشکیلات گروهی تحت نظر کارفرمایان بکارهای صنعتی مشغول بودند وجود داشته است. این کارگاهها با اصول قدیم تولید بدون رعایت قوانین کار و اتحادیه‌های کارگری موقع خود را با وضع دشوار بازار تا حدی حفظ کردند و بکار ادامه میدادند.

جنبش و انقلاب مشروطیت همچنانکه بر روی اکثریت طبقات شهرنشین تأثیر گذاشت و هیجان ملی بیسابقه‌ای در تاریخ بوجود آورد، و صفوفی از طبقات مختلف ناراضی از حکومت مطلق و استعمار خارجی را متحداً بمبارزه برانگیخت، بر روی کارگران شهری نیز مؤثر گردید. کارگران کارگاهها به تبعیت از کارفرمایان و استادکاران خود بمنظور حفظ صنایع ملی و منافع صنفی خود در مقابل بیگانگان در

۱- ایوانف در تاریخ مشروطیت ایران تعداد مهاجران کارگر ایرانی را در باکو بسال ۱۹۰۴ میلادی قریب بهفت هزار نفر که ۲۲ درصد مجموع کارگران باکو را تشکیل میدادند یاد میکند، احمد کسروی تعداد کارگران ایرانی که در کنای نفت قفقاز «صابونچی و بالاخانی» کار میکردند قریب ده هزار تن تخمین زده است

۲- از آنجمله پاولویچ تعداد کارخانه‌ها و کارگاههای کوچک را در اوایل قرن بیستم فقط در تبریز در حدود صد و کارگرانی را که در آن کارخانه‌ها کار میکردند متجاوز از ده هزار تن تخمین زده است

« ریشه‌های اجتماعی و اقتصادی انقلاب ایران، صفحه ۵۰ »

صفوف انقلابیان وارد شدند.

ناگفته نماند، سهم کارگران بصورت مبارزه طبقاتی و منظم در جنبش ملی پس از صدور فرمان مشروطیت و بصورت اعتصابات متعدد آنها خیلی محدود بروز کرده و کارگران در نواحی مختلف بخصوص در صفحات شمالی ایران که افکار ساکنان آنها تحت تأثیر نهضت انقلابی ۱۹۰۵ روسیه قرار گرفته بود تأثیر بیشتری داشته‌اند. کارگران مهاجر ایرانی مقیم باکو چون بازرگانان و اصناف ایرانی مقیم آن نواحی، پیش از مشروطیت نیز با انقلابیان تبریز ارتباط داشتند و پس از اطلاع از جنبش آزادی و افتتاح مجلس شورای ملی، بمنظور شرکت در بدست آوردن حکومت ملی و بهبود وضع زندگی بخیال مراجعت بوطن افتادند. و چون سایر مهاجران توسط نمایندگان از طرف خود از مجلس شورای ملی خواستار شدند که آنان نیز نمایندگان انتخاب کنند و بمجلس بفرستند، مراجعت مهاجران اعم از کارگران و بازرگانان از ماوراء قفقاز بایران با افکار آزادیخواهی و روح مبارزه بر ضد دستگاه حاکمه و استعمارگران، و شرکت آنها در مبارزات تاریخی آزادیخواهان تبریز نیز برای حفظ مشروطیت شایان توجه بوده است، و شرکت آنها در انجمنهای انقلابی مجاهدان بخصوص موجبات تقویت انقلابیان را در ضمن انجام خدمات مختلف دیگر فراهم می‌ساخت. ایوانف در مورد جنبش کارگران در انقلابهای مشروطیت چنین اشاره مینماید «در اعتصابات عمومی تابستان سال ۱۹۰۶ میلادی کارگران ایرانی چاپخانه‌های تهران اولین اتحادیه کارگری را در ایران تشکیل دادند» در سال ۱۹۰۷ میلادی جنبش انقلابی کارگران و کارمندان ایران آغاز گردید. از آنجمله: در ماه مارس ۱۹۰۷ میلادی اعتصابات عمومی تلگرافچیها که در خواست اضافه دستمزد و مطالبات دیگری داشتند در گرفت، در سال ۱۹۰۸ میلادی چندین بار در مؤسسات ماهیگری لیانازوف در بحر خزر عصیان و اعتصابات کارگری بوقوع پیوست که برای سرکوب آنها مقامات دولتی مجبور شدند دسته‌های قزاقان ایرانی را گسیل دارند و در طی سالهای ۱۹۰۸ - ۱۹۱۰ میلادی کارگران بندر انزلی باربران و قایقرانان اعتصاب کردند، در تهران درشکه‌چینا، کارگران چاپخانه‌ها، کارکنان ترامواها، کارمندان وزارتخانه‌ها در اعتصابات شرکت جستند.^۱

۱- انقلاب مشروطیت ایران تألیف ایوانف صفحه ۳۲

تأثیر روستائیان

استقرار اصول عمده مالکی با شدت کامل خود در ایران و بستگی زارع بزمین، عدم ارتباط نزدیک روستاها با شهر، جهل و بیخبری روستائیان از جریان و کیفیت زمان، حس اطاعت و انقیاد بیحد و حصر نسبت باریابان که خاص طبقه کشاورزان ایرانی است، و عوامل بیشمار دیگر موجب شد که روستائیان در انقلاب مشروطیت سهم مهمی نداشته باشند. هر چند که شرایط سخت زندگی و نارضایتی عمومی زارعین می‌بایست آنان را آماده انقلاب کند با اینهمه قشر بزرگ از ملت ایران تحت بردگی و استثمار طبقه عمده مالکان و اربابان باقی ماند. در انقلابی که بخاطر بدست آوردن حقوق اجتماعی و سیاسی بوجود آمده بود کشاورزان با وجود کینه و نفرت شدیدی که نسبت باریابان و مالکان داشتند سهمی ثمربخش بدست نیاوردند.

قبل از فرمان مشروطیت در پاره‌ای از نقاط ایران که روستائیان با مراکز انقلابی ارتباط نزدیکتر داشتند و اکنشهای محدودی از طرف این طبقه بصورت فرار از ده و پناهنده شدن بشهرها و گاهی هم مهاجرت دسته‌های قلیلی از آنها بممالک همجوار برای نجات از چنگال فقر دیده شده است.

روستائیان مهاجر چون دیگر مهاجران ایرانی مقیم ماوراء قفقاز و ماوراء بحر خزر تحت تأثیر محیط تازه، و جنبشهای آزادیخواهی بر ضد تزاریان قرار گرفتند، آشنائی با اصول آزادیخواهی آنها را نیز صاحب افکار نوینی ساخت، آنها که ارتباط خود را با وطنشان قطع نکرده بودند، در انقلابهای دوران اول مشروطیت با علم بمفاسد حکومت استبدادی و اصول اداره قدیم شرکت کردند، و بصورت جمعیتی قلیل با ناراضیان شهری دست اتحاد دادند، و بخاطر بهبود وضع زندگی خود بمبارزه پرداختند. صفحات تواریخ مشروطیت ایران که منعکس کننده فعالیت گروههای مختلف اجتماع است، اشاره مختصری به جنبش روستائیان در پاره‌ای از نواحی ایران در سالهای ۲۳ - ۱۳۲۴ ه.ق. بصورت مقاومت منفی در مقابل مالکان و خانها و مأموران دولت و امتناع از پرداخت مالیات و عوارض میکنند. از آنجمله: ایوانف با استناد بگزارشهای نمایندگان سیاسی روس در مورد شرکت روستائیان و تأثیر آنها در انقلاب مشروطیت چنین مینویسد «در سال ۱۹۰۶ نهضت خود بخودی دهقانان رو بتوسعه گذاشت، نخست این نهضت در ایالات شرقی ایران که همجوار روسیه بود (آذربایجان، گیلان، مازندران، استرآباد،

خراسان)، بوجود آمد. پس از آن بجنوب ایران (کرمان، بلوچستان، اصفهان و ایالات دیگر) سرایت کرد. نهضت دهقانان اشکال گوناگون بخود گرفت، امتناع دهقانان از پرداخت مالیاتها و سهم مالکانه، خودداری از اجرای وظایف گوناگون که بآنها محول میشد، نافرمانی نسبت به مأموران شاه. تعداد وقایعی که در آن دهقانان بر خانه‌های خانها و مالکان حمله میبردند، روزبروز بیشتر میشد دهقانان انبار آذوقه خانها را تصرف میکردند و بین فقرا قسمت میکردند.^۱

تأثیر اشراف و عمده مالکان

تا اینجا سخن از گروه‌ها و طبقاتی بود که نهضت را بوجود آوردند و برای برقراری و ثبات آن وظیفه مؤثر و مثبتی برعهده داشته‌اند.

در مقابل این طبقات، عوامل منفی چون مالکان بزرگ و اشراف قرار گرفته بودند که با تمام وسایل ممکنه با حمایت بعضی از دولتهای خارجی بر ضد جنبش ملی قیام نموده و مانع نضج مشروطیت و حکومت ملی میگرددند. اشراف و نجبای ایران در عهد قاجاریان را شاهزادگان و گروههایی که مقام و منزلت بلند اجتماعی در دستگاههای دولتی و دربار داشتند تشکیل میدادند. این طبقه با اینکه قدرتشان متکی بر مالکیت اراضی مزروعی وسیعی در کشور بود و در اجتماع مقام اول را داشتند ولی بجهاتی چند بصورت طبقه خاص که دارای قدرت سیاسی مداوم باشد گروه متشکلی تشکیل نمیدادند.

مالکان بزرگ ایران را اغلب همین طبقه اشراف و شاهزادگان تشکیل میدادند که اکثر آنها با در دست داشتن مقامات عالی دولتی از جمله: وزارت و صدارت و حکمرانی ولایات در سیاست و اداره امور مملکتی دخالت مؤثر داشتند. همراه با این گروه خانها و ایلخانیان بزرگ نیز با حکمرانی نواحی مختلف مملکت و فرماندهی ارتش که بصورت بنیچه و چریک بود جبهه واحدی از عمال حکومت استبدادی را تشکیل میدادند.

بر این طبقه چنانکه در فصل اول سخن رفت از اواخر قرن سیزدهم ه.ق «قرن

نوزدهم میلادی» گروه جدیدی از بورژوازی تاجر افزوده شد. گروه مالکان جدید با استفاده از سرمایه‌های روزافزون حاصله از سود تجارت توانسته بودند بزرگترین و آبادترین اراضی مزروعی را از چنگ مالکان جزء و روستاییان که دچار فقر و افلاس شده بودند خارج سازند، و با تصرف آنها بر قلمرو وسیع قدرت و نفوذ سیاسی خود بیفزایند، اشراف و مالکان بزرگ که در رأس آنها شاهزادگان قاجار قرار گرفته بودند، صنف مرتجعی را تشکیل میدادند، شروع هرگونه اصلاحات جدید از طرف روشنفکران از آن جهت که با منافع آنها اصطکاک داشت با مخالفت روبرو می‌شد، و با تحریک شاه باتخاذ تصمیمات ارتجاعی از طرف این گروه متوقف میماند.

در جریان وقایع و حوادث مشروطیت، طبقات مختلف مردم بصورت قشر بزرگی در مقابل عمال حکومت و ایادی وی در آمده بودند. جنبش انقلاب مشروطیت پدیده‌ای نبود که مالکان و اشراف از آن طرفی ببندند و برله آن قیام کنند، جز اینکه سیستم مالکیت و بهره‌برداری از آنها از املاک مزروعی که بر اساس فئودالیت و استثمار طبقه روستاییان بود و همچنین قدرت آنان را محدود می‌کرد لطمه وارد میساخت.

پس از تشکیل مجلس اول و نضیح جنبش آزادیخواهی، و تأسیس انجمنها ایالتی و ولایتی توسعه مبارزه‌ای که روشنفکران و طبقات متوسط یعنی تجار و کسبه و اصناف در راه از بین بردن حاکمیت فئودالها و عناصر ارتجاعی و بخصوص استعمارگران فعالیت میکردند، سبب شد سران فئودال و تیولداران و خانها بحمايت از شاه و اشراف دریاری که در جریان نهضت با دولتهای خارجی و استعمارگران ساخته بودند برخاستند، و جبهه واحد مرتجعی را تشکیل دهند. در دنباله تصمیمی که از طرف محمد علیشاه به از بین بردن مجلس و تعطیل مشروطیت بتحریک همین گروه گرفته شده بود، گروه اجتماعی با ایجاد ناامنی در نواحی حکومت، و تبعیت نکردن از احکام مجلس به مبارزه مستقیم با انقلابیان روی آوردند و برای سرکوب ساختن عناصر آزادیخواه کمکهای مؤثر و مفیدی بکودتای ضد انقلابی کردند. بعدها نیز در جریان حوادث و وقایعی که بر ضد حکومت مشروطه و ناامنی و هرج و مرج مملکت پیش آمد، تأثیر این گروه را آشکارا از خلال صفحات تاریخ میتوان دریافت. پس از جنگ جهانی اول و آرامش نسبی اوضاع داخلی ایران و از بین رفتن ایام فترتهای مجلس بخصوص از دوره چهارم قانونگذاری بیعد اشراف فئودال با استفاده از ضعف طبقه متوسط و با کمک عوامل

ذینفوذ داخلی و خارجی موقع از دست رفته خود را در مجلس اول و دوم بتدریج باز یافتند و در صحنه سیاست پارلمانی با قبول رنگ مشروطه خواهی مبارزان و مخالفان خود را که مشروطیت بمساعی آنها بوجود آمده بود، کنار زدند و موقع خود را دیگر باره مستحکم کردند. در پایان این مقال ناگزیر از ذکر این نکته میباشیم که تعمیم یک مورد جزئی و خاص مبنی بر شرکت خانهای ایل بختیاری و بزرگترین ملاکان فئودال گیلان بر ضد کودتای محمد علیشاه نمیتواند ملاک موافقت طبقه فئودال با مشروطیت باشد بخصوص همانطور که قبلاً یاد شد، جنبش مشروطه خواهی ایران بر ضد استبداد و مظالم شاهزادگان و حکام که در رأس آنها فئودالها و ملاکان قرار داشتند صورت گرفته است.^۱

دولتهای خارجی و انقلاب مشروطیت

در پایان این فصل بی‌مناسبت نمیدانیم به مداخله مستقیم یا غیر مستقیم دولتهای خارجی در مبارزات ملی ایران که منجر به تغییر رژیم حکومت، و انقلابات بعدی تا تثبیت اوضاع داخلی ایران گردید. بایجاز اشاره‌ای بشود. مسئله رقابت بین دولت روسیه تزاری و انگلستان بر سر منافع اقتصادی خود در ایران، و تحولی که بدنبال آن در اقتصاد مملکت بوجود آورد، اساس و پایه مادی نفوذ دولتهای خارجی در سیاست و امور اجتماعی کشور ایران در اوایل قرن چهاردهم ه.ق، گردید. این عوامل همراه با علل و اسباب مختلف دیگری که بتفصیل در فصول گذشته بیان گردید، به پیدایش مشروطیت ایران منجر شد.

این انقلابات و مبارزات ملی مزبور مسئله‌ای نبود که نتایج آن در نقشه دول

۱- انگیزه قیام و جنبش گروه‌های مزبور در درجه اول جلوگیری از تحدید منافع اقتصادی خود بوده است. در ثانی مسئله رقابت ایلات و عشایر بر سر مسئله توسعه منطقه قدرت و حفظ موقع خود، و احياناً بدست آوردن ریاست و حکومت بر ایلات و عشایر دیگر میتواند محرک سران ایل بختیاری شده باشد. توضیح آنکه سلطنت خاندانی از ایل قاجار بر ایران، محدود شدن منافع اقتصادی ایل بختیاری بمناسبت موقع اقتصادی زمان و نفوذ و توسعه تجارت روسیه در ایران و از طرفی لطمه‌ایکه با انتصاب حکام غیرمحملی باستقلال آنها در حوزه حکومتشان وارد شده بود ممکن است انگیزه جنبش و قیام آنها شده باشد.

برای بدست آوردن موقع اقتصادی دیرین و بویژه نفوذ در هیأت حاکمه، از نهضت و جنبش آزادیخواهان در ایران جانبداری کرد و بدینوسیله با روی کار آوردن رژیم جدید، از نفوذ توسعه روسیه تزاری در دربار ایران و تضعیف موقع اقتصادی و سیاسی خود در ایران کاست و بر رقیب خود غالب آمد.

روی اصل مزبور دولت انگلیس از مشروطه‌طلبان بصورت پناه دادن آزادیخواهان در سفارتخانه و قونسولگریهای خود در شهرستانها و ایفای نقش واسطه بین آزادیخواهان و شاه و تدبیر وسایل مختلف دیگر تأثیر مهمی در انقلابات ایران داشت.

ولی مسئله رقابت و تضاد بین دو دولت روسیه تزاری و انگلستان در مورد انقلاب مشروطیت ایران دیری نپائید و عوامل مختلف سبب شد که این دو نیروی آشتی‌ناپذیر بظاهر سیاست واحد و هماهنگی را در مقابل رژیم جدید ایران پیش گیرند از آنجمله:

ترس دولت انگلستان از سرایت جنبش ملی ایران بمنطقه نفوذ و مستعمره‌اش «هندوستان» و مهمتر از آن تغییر سیاست بین‌المللی دول غربی بود که مسئله سازش دولت انگلستان را با دولت روسیه تزاری بوساطت دولت فرانسه پیش آورد و در این امر پیدایش نیروی ثالثی در عرصه سیاست خارجی ایران چون دولت آلمان که از رقبای دولت انگلستان بود، عامل مؤثر و مهمی محسوب میشد. سیاست استعمار دولتهای آسیایی توجه دولت آلمان را بایران جلب کرد و نتیجه آن شد که دولت مزبور با توسعه سیاسی و بخصوص اقتصادی خود در ایران بطور غیر مستقیم در سیاست بین‌المللی دو دولت روسیه و انگلیس در مورد نظام جدید و حکومت ایران تأثیر قابل ملاحظه و عمیقی پیدا کرد.

دولت آلمان با دولت انگلستان از راه اجرای سیاست تعرفه‌های ارزاقیمت، و پیشنهادهایی در زمینه تأسیس بانک، و امتیاز راه آهن و بخصوص پیشنهاد قرضه بایران رقابت میکرد. و از طرف دیگر جانبداری و حمایتی که این دولت از ملیون و مشروطه‌خواهان کرد، موجب شد که در صحنه سیاست استعماری کشورهای اروپایی در آسیا و بخصوص ایران رقیب تازه‌ای که نقش موافق انقلاب را برعهده داشت، و نظر گروههای ملی و آزادیخواهان را بطرف خود جلب کرده بود وارد شود.

مجموعه عوامل فوق، و بخصوص عدم تمایل واقعی دولت انگلستان به پیشرفت حکومت ملی و ترقی وضع سیاسی و اقتصادی ایران سبب شد که این دولت از رقابت و

استعمارگر در ایران بی‌تأثیر باشد و در مقابل آن بعناوین مختلف بنفع سیاست واحد خود عکس‌العمل نشان ندهند و از مداخله مستقیم له و علیه چشم‌پوشند.

دولت روسیه تزاری، خواه ناخواه بحمایت و جانبداری حکومت وقت و حفظ رژیم استبداد از آنجا که منافع و خواسته‌های دولت مزبور بسبب نفوذ فوق‌العاده در دربار و اوضاع داخلی ایران از هر جهت تأمین بود علاقه داشت، و با انقلاب مشروطیت و جنبشهای ملی خوش‌بین نبود، و با تمهید مقدمات و وسایل مختلف، بخصوص پس از بسطنت نشستن محمد علی‌شاه و شناخت طبیعت و خوی مستبد وی موجبات تقویت مرتجعان و تضعیف نیروی ملی را فراهم ساخت و با ایجاد اشکالاتی چند از داخل و خارج ایران، از پیشرفت حکومت مشروطه جلوگیری کرد. علاوه بر دولت فوق همسایه دیگر ایران دولت عثمانی با حکومت مطلق که سلطان عبدالحمید تشکیل داده بود، طبعاً با جنبش آزادیخواهی ایران بهیچ عنوان موافقت نداشت، و از بیم سرایت آن بعثمانی، و تحریک و برانگیختن افکار و اندیشه‌های آزادیخواهی در ملت عثمانی که در آن زمان در زیر یوغ و سلطه استبداد سلطان عبدالحمید مجال بروز و خودنمایی نداشت بعناوین مختلف و وسایل امکان‌پذیر بمخالفت با مشروطه برمیخواست. گرچه این حکومت در آن سرزمین دیری نپایید، و همزمان با تعطیل مشروطه اول و بمباران مجلس، حکومت استبدادی برچیده شد و حکومت ملی و آزاد عثمانی اعاده یافت. همانطور که جنبش جوانان ترک برای بدست آوردن حکومت ملی در بیداری و تنویر افکار ملت و آمادگی آنها بمبارزه ضد استبداد تأثیر غیر مستقیم ولی مهمی داشته، هماهنگی و همراهی آزادیخواهان ملت عثمانی و دولت جدید آن کشور با ملیون ایران بروزگار استبداد صغیر در برقراری مجدد مشروطیت و مبارزات و جنبشهایی که جهت برکناری محمد علی‌شاه از سلطنت روی داد مؤثر بوده است.

دولت امپراطوری انگلستان بسبب موقع از دست رفته خود در مقابل حریف و رقیب سرسختش دولت روسیه تزاری، در ابتدا نسبت به انقلابات و اعتصابات عمومی بظاهر خوشبین بوده و برای پیشروی و اجرای نقشه استعماری خود در ممالک آسیایی و بویژه و بمنظور تأمین تسلط کامل خود بر هندوستان و اجتناب از بسط نفوذ دولت روسیه تزاری در مناطق مستعمراتی مورد نظر، جانب مخالفان رژیم تزاری را گرفت. دولت انگلستان بمنظور جبران شکست خود در مورد از دست دادن بازار تجارت ایران و

دولت «روسیه و انگلیس» بعناوین مختلف با وارد ساختن قشون در مناطق نفوذ خود، مداخله بیش از حد در امور داخلی ایران میکردند، و سد بزرگی در راه پیشرفت گروههای ملی گردیده بودند. دولت انگلستان با اینکه در باطن از نفوذ روزافزون روسها پس از تعطیل مشروطه اول و فرمانروایی مطلق آنها بمدد نیروی قزاق و تسلیم دستگاه حکومتی ایران در مقابل تمایلات روسها ناراضی و نگران بود، باز هم از تعقیب سیاست سازش خود دست برنداشت، و این امر حتی پس از اعاده مشروطیت و تشکیل مجلس دوم، و وقایع پس از آن کما بیش همچنان ادامه داشت، و موقعی که مبارزات ملی و مساعی آزادی خواهان در برچیدن بساط استبدادی محمد علیشاه و اعاده مشروطه و افتتاح مجلس شورای ملی در شرف نتیجه گیری بود، و حکومت ملی برای اجرای اصلاحات و قوانین بمحیط آرام و بدون تشنج احتیاج داشت، دولت مزبور در مقابل هر نقشه اصلاحی و اقدامی که دولتها و مجلس بمنظور تقویت بنیه مالی و اقتصادی کشور و دیگر اصلاحات داخلی در نظر میگرفتند، با وسایل و حیل مختلف و بمدد ایادی پنهانی خود رادع و مانعی میگذاشتند. از آنجمله:

دولت و مجلس ایران بمنظور اصلاح امور اقتصادی کشور از دولتهای خارجی که جنبه بیطرفی را در ایران داشتند استمداد کرد و برای جلب مستشاران اقتصادی و استخدام آنها با دولت امریکا وارد بحث و مذاکره شد، بموجب قرار دادی که دولت ایران با وزارت امور خارجه امریکا تنظیم کرد، موقعیکه مسیون امریکایی بریاست مستر مورگان شوستر امریکایی بنام خزانه داری کل ایران مأمور اجرای طرح اقتصادی مبنی بر تجدید سازمان مالیه ایران گردید.

دولت استعمارگر روسیه و انگلیس با عملیات هیأت گسیل شده از امریکا مخالفت کردند، در این مورد خاص دولت روسیه تزاری از بیم بمخاطره افتادن منافع اقتصادی در ایران ضمن اولتیماتومی چند که بدولت ایران داد، هم از اجرای نقشه اصلاحی شوستر امریکائی در ایران جلوگیری نمود، و هم بدین وسیله بار دیگر در مقابل عدم تمکین نمایندگان مجلس از خواستههای آنها موجبات انحلال مجلس دوم و دوران فترت طولانی را فراهم ساخت.

نظیر این گونه مداخلات در امور داخلی مملکتی که با تغییر دادن نحوه حکومت چند هزار ساله و بر سر کار آوردن رژیم و نظام جدید خواه ناخواه گرفتار مشکلاتی داخلی شده بود فراوان است:

مبارزه ظاهری خود با دولت روسیه تزاری بطور موقت در مورد جنبش ملی ایران دست بردارد، و امر تسریع در اجرای نقشه تقسیم ایران بمناطق نفوذ دو دولت انگلیس و روسیه تزاری با تشکیل کمیسیونی مرکب از نمایندگان دولتهای انگلیس و روس و عثمانی فراهم شود. نزدیکی دو دولت رقیب بمنظور اجرای هدف واحد، و حفظ پایگاههای خود در آسیا، نتیجه اش تنظیم و تصویب و اجرای موافقتنامه و قرارداد ننگین معروف ۱۹۰۷ میلادی گردید.

مسلم است که پس از تنظیم چنین موافقتنامه ای، هیچیک از دول مزبور با حکومت ملی ایران همراه و موافق نبودند، و بخصوص پس از آنکه نمایندگان مجلس با تنظیم و تدوین قانون اساسی و متمم آن به محدود ساختن نفوذ اجنبی در امور داخلی ایران، و تجدید اعطای امتیازات و پایگاههای اقتصادی خارجی در ایران اهتمام کردند، این عدم موافقت شدیدتر شد و نیز پس از آنکه نمایندگان با پیشنهاد دولت وقت، مبنی بر استقراض تازه ای از دولت روسیه تزاری و انگلیس مخالفت ورزیدند، دولتهای اخیر باب مخالفت و کارشکنی را با دلایل پوچ و واهی باز نمودند، و با کمک ایادی خود در دربار، و همچنین بیاری پاره ای از خانها و حکام در شهرستانها، با ایجاد اغتشاشها و هرج و مرج داخلی، محیط متشنج و ناامنی در ایران بوجود آوردند، و با اتخاذ روشهای خاصی وضع مالی ایران را در چنان موقعیت بحرانی، سختتر ساختند، و با این کیفیت ببر آوردن خواسته و تمایل باطنی محمد علیشاه که برقراری مجدد حکومت مطلق باشد کمک شایان توجه کردند. بخصوص دولت روسیه تزاری، با در دست داشتن نیروی نظامی ایران، و نفوذ و تسلط بر مقام سلطنت هدف خود را بطور مؤثرتری اجرا کرد، و با اینکه ظاهراً عوامل داخلی از جمله روحانیان مشروعه خواه و خانها و حکام محلی ببرانداختن مجلس برچیدن اساس مشروطیت اقدام و محمد علیشاه را یاری کردند، و استبداد صغیر را بوجود آوردند. ولی بموجب مدارک و اسناد موجود دولتهای خارجی و بخصوص دولت روسیه تزاری عامل عمده در این قیام ضد ملی بوده است.

تأثیر عامل مداخله دولتهای خارجی در تحولات عمیقی که در عصر اول مشروطیت در اوضاع اقتصادی و اجتماعی و سیاسی روی داده است شایان توجه و بررسی عمیق میباشد. و میتوان در واقع ناپایداری و بی ثباتی عصر اول مشروطیت و فترتهای طولانی و انقلاباتی را که به تغییر سلطنت منجر گردید مولود آن دانست. دو

فصل پنجم

تاریخ مختصر ادوار قانونگذاری

توضیحات مقدماتی - ذکر جریان مفصل و مشروح وقایع و حوادث تاریخی و تحولات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی ایران از آغاز مشروطیت تا زمان حاضر از موضوع این تحقیق و بررسی خارج و مستلزم مطالعات و بررسیهای عمیقتری است که باید مورخان با نکته سنجی خاص خود برشته تحریر در آورند. ما در این فصل بذکر تاریخ مختصر ادوار قانونگذاری و اشاره اجمالی به وقایع مهم هر دوره با ذکر قوانین موضوعه بدون توضیح و تفسیر آنها می پردازیم.

برای این منظور تاریخ ایران را از آغاز مشروطیت تا زمان حال بر اساس خصوصیات سیاسی بسه عصر متمایز تقسیم میکنیم:

الف - عصر اول مشروطیت: که از مهرماه ۱۲۸۵ ش. و پس از صدور فرمان مشروطیت توسط مظفرالدینشاه قاجار با افتتاح نخستین مجلس شورای ملی شروع شده و تا آذر ماه ۱۳۰۴ ش. ادامه یافته و شامل پنج دوره قانونگذاری است. این عصر مقارن با دوره آخر سلطنت خاندان قاجار و بروز جنگ جهانی اول میباشد.

ب - عصر دوم مشروطیت: آغاز آن با تفویض مقام سلطنت بموجب رأی مجلس مؤسسان بتاريخ آذر ماه ۱۳۰۴ ش. به سر سلسله خاندان پهلوی بوده است و ۷ دوره قانونگذاری از دوره ششم تا سیزدهم میباشد.

ج - عصر سوم مشروطیت: شروع این عصر مصادف با جنگ جهانی دوم و استعفای رضا شاه پهلوی و تفویض مقام سلطنت بجانشین قانونی ایشان محمد رضا شاه پهلوی در تاریخ ۲۵ شهریور ماه ۱۳۲۰ ش. میباشد.

داری توضیحاتی بخواهند، و در جلسه پنجم ذیحجه ۱۳۲۴ ه.ق مطابق با ۱۲ دی ماه ۱۲۸۵ ش. با حضور وزیر معادن و کمیسر نفت مذاکراتی در این باره در مجلس بمیان آمد.

واکنش نمایندگان مجلس در برابر مخالفت متنفذان و خانهای مستبد با حکومت مشروطه بصورت اخراج آنها از حوزه حکمرانی و سلب مقام و اختیارات چندین ساله از آنها در امور اداری پدید آمد، همچون برکناری شاهزاده ظل السلطان فرمانروای مقتدر و متنفذ اصفهان و عزل کامران میرزا عمو و پدر زن شاه از وزارت جنگ و آصف الدوله حکمران خراسان. در اینجا بجاست یادآوری شود، که یکی از اقدامات سود بخش مجلس اول که با مخالفت شدید دربار و عمال دولتی روبرو شد و قدرت مستبدانه هیأت دولت را در هم شکست مسئول شناختن هیأت وزیران در برابر دو مجلس بود که قانون آن در تاریخ ذیحجه ۱۳۲۴ ه.ق بتصویب مجلس رسید.

رد لایحه چهار صد هزار لیره قرضه از دولت روسیه و انگلستان که پروژه آن در روسیه و لایحه آن در انگلستان بتصویب رسیده بود از جمله خدمات مفید و مهم مجلس اول بوده و این لایحه در موقع طرح در مجلس با مخالفت ۶۰ تن از نمایندگان که بکار انداختن سرمایه‌های ملی را ترجیح میدادند روبرو شد (بتاریخ رمضان ۱۳۲۴ ه.ق «مطابق ۱۹۰۶ میلادی»)

نمایندگان دوره اول بامستشاران بلژیکی که در آن تاریخ اقتدار بسیار بدست آورده بودند و در امور داخلی ایران مداخله می کردند و در نتیجه نارضایی عموم طبقات را برانگیخته بودند مخالفت کردند و شاه را ببرکناری مسیونوز و همکارانش از گمرکات ایران مجبور ساختند و باین ترتیب مجلس در مهمترین و حیاتی‌ترین مسئله روز که ممنوعیت اخذ هرگونه وامی از دو دولت روسیه و انگلیس و کوتاه کردن دست بلژیکیها از امور داخلی ایران بود توفیق حاصل کرد.

از اهم مسائلی که مجلس اول برای جلوگیری از قرض روزافزون و قطع نفوذ سیاسی و اقتصادی بانکهای خارجی و ترمیم رضع مالی خزانه که استقلال مملکت را بمخاطره میانداخت مورد توجه قرار داد، اصلاح بودجه و تعدیل آن و محدود ساختن مخارج شاه و دربار بود. همچنین برای بکار انداختن سرمایه‌های داخلی در ضمن تقدیم طرحی مبنی بر تأسیس بانک ملی در مقابل بانک شاهنشاهی قدم مؤثری برداشت. در

تاریخ ۵ آذرماه ۱۲۸۵ ش. و ۹ ذیعقده ۱۳۲۴ ه.ق (مطابق اول فوریه ۱۹۰۷ م) اساسنامه بانک ملی ایران بتصویب رسید و اعلان آن در تاریخ ۹ آذر ماه ۱۲۸۵ ش. منتشر گردید، با اینکه عموم طبقات مردم از جمله زنان و کودکان و مردمان فقیر با جزئی پس انداز و طلاب با فروش کتاب خود به پشتیبانی نمایندگان برای رفع نیازمندی کشور پیشقدم شدند باز هم تأسیس بانک ملی بسبب اشکالات و موانع بیشمار عملی نگردید.

مجلس اول در جلسه ۲۲ رجب ۱۳۲۵ ه.ق خود با موافقتنامه ۱۹۰۷ تقسیم ایران بمناطق نفوذ دو دولت روسیه و انگلستان مخالفت کرد و با تصویب تشکیل محاکمات عرفی متمرکز ساختن محاکمات در دادگاههای دادگستری که تا آن تاریخ در محاضر روحانیان انجام میگرفت باصلاح دستگاه قضایی پرداخت. برقراری تساوی حقوق پیروان مذاهب مختلف و نسخ قاعده تیول که از زمانهای دراز در ایران معمول بوده و باعث بی‌نظمی در امور مالی کشور و همچنین موجب تسلط ارباب تیول و استثمار رعایا گشته بود و همچنین نسخ قاعده تسعیر که بموجب آن بر عایدات دولت افزوده میشد از جمله خدمات شایان توجه مجلس اول بود. مهمترین قوانینی که در این دوره وضع شد عبارت‌اند از:

۱- قانون آزادی مطبوعات مشتمل بر ۵۳ ماده که در تاریخ ۱۸ بهمن ماه ۱۲۸۶ ش. مطابق با ۵ محرم ۱۳۲۶ ه.ق بتصویب رسید، و بموجب این قانون انتشار مجله و روزنامه‌های ملی در ایران روبه‌فزونی گذاشت و تعداد آن در طی دو سال عمر مجلس اول در حدود ۵۰ درصد افزایش یافت.

۲- قانون تشکیلات ایالات و ولایات و دستور کار حکام مشتمل بر ۴۳ ماده و ۲۶ ماده ضمیمه که در تاریخ ۱۷ آذر ماه ۱۲۸۶ ش. مطابق با ۴ ذیعقده ۱۳۲۵ ه.ق بتصویب نمایندگان مجلس رسید.

۳- قانون انجمن ایالتی و ولایتی مشتمل بر ۱۲۲ ماده که در تاریخ ۸ خرداد ماه ۱۲۸۶ ش. (مطابق با ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ ه.ق) بتصویت نمایندگان رسید، انجمنهای فوق مطابق قانون شروع بکار کرد و فعالیت بعضی از انجمنها در پاره‌ای از شهرستانها تا اندازه‌ای از تمرکز قدرت در دست هیأت حاکمه کاست و زمینه مداخله مردم را در اداره امور اجتماعی و بهبود بخشیدن به اوضاع شهر خودشان را فراهم ساخت.

۴- قانون بلدیہ که در تاریخ ۱۲ خرداد ماه ۱۲۸۶ ش. بتصویب رسید.

۵- قانون وظایف که در تاریخ اول اردیبهشت ماه ۱۲۸۷ ش. بتصویب رسید. مجلس اول پیش از پایان دو سال دوره قانونی خود بعلمت مخالفت محمد علیشاه با مشروطه خواهان و تحریکات دولتهای خارجی از طریق عناصر ارتجاعی، توسط کلنل لیاخوف رئیس قزاقهای ایران و چند افسر روسی دیگر در ۲ تیر ماه ۱۲۸۷ ش. و ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶ ه.ق (مطابق با ۲۳ ژوئن ۱۹۰۸ م) بتوپ بسته شد و چند تن از نمایندگان و روزنامه نگاران و مشروطه طلبان در باغشاه زندانی شدند و پاره‌ای از آنها بقتل رسیدند و عدّه بسیاری از نمایندگان نیز بسفارتخانه‌ها پناهنده شدند و با این کیفیت دوره اول مجلس شوری منحل و حکومت نظامی در سراسر کشور اعلام شد.

استبداد صغیر

(فترت بینی مجلس اول و دوم)

پس از کودتای سه‌شنبه دوم تیرماه و تعطیل مشروطه اول و برقراری حکومت استبدادی توسط محمد علیشاه و عناصر مرتجع طرفدار وی بحمايت دولتهای خارجی و با متواری شدن آزادیخواهان سکوت و آرامش موقتی که برخلاف میل طرفداران حکومت قانون و روشنفکران و روحانیان آزادیخواه بود برقرار شد ولی در زیر سکوت و آرامش، نطفه انقلاب و جنبش آزادیخواهی بر شد خود ادامه می‌داد و عملیات جابرا نه شاه مستبد و عناصر طرفدار سلطنت مطلق نتوانست آتشی را که در زیر خاکستر استبداد نهان بود خفه کند و ملت ایران بگفته حافظ شیرین سخن «آتشی» را که هرگز «نمیرد همیشه در دل» خود داشت.

رهبران و سران آزادیخواه، در شهرستانها آرام ننشستند و برای برقراری مجدد حکومت ملی و برانداختن سلطنت محمد علیشاه قیام کردند و این جنبش از نواحی مختلف مانند آذربایجان و گیلان و اصفهان و دیگر نقاط چون فارس و کرمان و جز اینها آغاز شد.

در آذربایجان پس از بتوپ بستن مجلس اول آزادیخواهان آرام ننشستند و با تشکیل قوای مجاهد ملی بسرداری ستارخان و باقرخان قیام کردند. دولت مرکزی با فرستادن چند هزار تن سرباز و قشون شهر تبریز را محاصره کرد و با ممانعت از ورود

آذوقه و جز آن بر آزادیخواهان سخت گرفت.

این وضع بهانه و فرصت مناسبی برای دولت روسیه تزاری بود که بعنوان حمایت از اتباع خارجی در آوریل ۱۹۰۹ قشون خود را از سرحدات ایران بگذراند و شهر تبریز را اشغال کند. مبارزات دلیرانه آزادیخواهان تبریز، انقلابیان سایر شهرستانها را نیز بجنبش و قیامهای ملی دامنه‌داری وادار کرد از آنجمله: در هنگامی که تبریز در محاصره و فشار قشون دولتی و سربازان روسی بود نیروهای نجات ملی و گروههای آزادیخواه و بختیارها با تشکیل دسته‌های منظم و حفظ ارتباط با یکدیگر در تاریخ ۲۷ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ ه.ق از رشت و اصفهان بطرف تهران حرکت کردند و پایتخت در محاصره انقلابیان قرار گرفت، اکثریت مردم تهران هم بکمک مهاجمان برخاستند و در نتیجه پس از ورود قوای مجاهد و بختیاری بتهران و تصرف مسجد سپهسالار و بهارستان جنگ بین دو نیروی آزادیخواه مشروطه‌طلب و قوای دولتی که تحت فرمان لیاخوف روسی بود در گرفت. و با اینکه قریب بدو هزار تن از قشون روس در قزوین تمرکز یافته بودند و دولت روسیه نیروهای مهاجمان را تهدید بورود در صحنه نبرد کرد باز هم این تهدیدها نتیجه نبخشید و نیروهای نجات بخش ملی از شمال و جنوب به‌نبرد دلاورانه خود که آغاز آن از تاریخ ۴ تیر ماه ۱۲۸۷ ش. (مطابق با ژوئیه ۱۹۰۹ م) بود ادامه دادند و پس از چهار روز زد و خورد توانستند تهران را بتصرف خود در آورند. محمد علیشاه با ۵۰۰ تن از بستگان خود و سران مرتجعان و سربازان محافظش بمحل بیلاقی سفارت روس پناهنده گشت و بیرق روس و انگلیس بعنوان حمایت مشترک از شاه فراری بر سر در عمارت سفارت افراشته شد و مبارزات ملت ایران و سران آزادیخواه با دولت محمد علیشاه خاتمه یافت.

برای برقراری و رفع بلاتکلیفی و حفظ امنیت، جلسه خاصی از نمایندگان مجلس اول و پیشوایان عامه مردم و مجتهدان و رجال آزادیخواه در مجلس شورای ملی منعقد شد و پس از مذاکره و مشاوره بسیار مسئله برکناری محمد علیشاه از تخت و تاج و انتخاب فرزند او احمد میرزا ولیعهد که شاهزاده خردسالی بود بجای پدر با نیابت سلطنت عضدالملک مطرح شد و بتصویب رسید.

شاه مخلوع «محمد علیشاه» از ایران خارج شد و دولت انقلابی جدید با وساطت سفرای روس و انگلیس یک میلیون ریال مستمری برای محمد علیشاه معین

کردند مشروط بر اینکه شاه مخلوع در امور داخلی ایران مداخله نکند.

مجلس شورای ملی که مرکب از ۲۵ تن از مشروطه‌طلبان بود بتعیین هیأت دولت جدید و نظارت بر اعمال آنها پرداخت و مقدمات انتخابات مجلس دوم را فراهم کرد و بار دیگر حکومت ملی آغاز شد و آزادی مطبوعات تأمین گشت و روزنامه‌هایی که با پیدایش مشروطیت افزایش یافته و با تعطیل آن ناپدید شده بود از نوزندگی تازه‌ای یافتند و مبارزه قلمی خود را برای ثبات حکومت ملی آغاز کردند، سازمانهای سیاسی تجدید شد، و قانون جدید انتخابات از طرف دولت تصویب و منتشر گردید و انتخابات مجلس دوم آغاز گردید.

دوره دوم قانونگذاری

دومین دوره قانونگذاری پس از یک سال و ۴ ماه و ۲۱ روز فترت در تاریخ ۲۴ فروردین ماه ۱۲۸۸ ش. و دوم ذی‌عقده ۱۳۲۷ ه.ق (مطابق با ۱۹ نوامبر ۱۹۰۹ م) افتتاح یافت و نخستین جلسه رسمی آن در تاریخ ۲۷ فروردین ۱۲۸۸ و ۶ ذی‌عقده ۱۳۲۷ ه.ق تشکیل گردید.^۱

انتخابات این دوره از مجلس بموجب نظامنامه انتخابات مورخ ۱۲ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ ه.ق بطریق غیر مستقیم و دو درجه‌ای صورت گرفت و در برابر دوره اول مجلس که انتخابات در انحصار طبقاتی از اجتماع بود در این دوره سیستم صنفی ملغی گردید. مجلس دوم با بحرانهای سخت و مشکلات ناشی از قوای خارجی، و بسی دشواریهای دیگر داخلی روبرو شد و در طی دوران کوتاه عمر خود با موانع بسیار گامهای بلندی در راه حفظ مشروطیت و اصلاحات داخلی برداشت.

از جمله اقدامات اساسی مجلس دوم استخدام مستشارانی که از امریکا و سوئد و فرانسه بمنظور اصلاح امور داری و دستگامهای اداری چون ژاندارمری و شهربانی و وزارت کشور بود در زمینه فرهنگ با فرستادن دانشجوی ایرانی باروپا و امریکا خدمتی انجام داد.

۱- مراد از رسمیت موقعی است که اعتبارنامه سه ربع از نمایندگان حاضر در مرکز تصویب رسیده باشد.

یکی از کارهای سودمند مجلس دوم مقاومت شدید آن در برابر تحمیلات دولتهای خارجی (روسیه و انگلیس) بود. توضیح آنکه دولت روسیه تزاری که راضی باصلاحات اساسی در ایران نبود با اقداماتی که توسط خزانه‌دار کل ایران مستر مورگان شوستر امریکایی برای اصلاح امور داری انجام می‌گرفت مخالفت کرد و با موافقت و تسانی دولت انگلیس که در باطن با اقدامات اصلاحی شوستر، و نفوذ دولت امریکا در ایران راضی نبود در دو نوبت بایران اولتیماتوم داد تا شوستر و اتباع وی از ایران خارج شود، نوبت نخست در تاریخ ۱۴ آبان ماه ۱۲۸۹ ش. و نوبت دوم در ۱۸ آذرماه ۱۲۸۹ ش. (مطابق ۲۹ نوامبر ۱۹۱۱ م) بود. دولت مزبور ایران را تهدید کرد که هرگاه با خواسته‌های آنها موافقت نکند قشون بایران خواهد کشید.

پذیرفتن اولتیماتوم دولت روس از طرف مجلس و دولت ایران گذشته از اینکه نقشه اصلاح امور اقتصادی کشور را که شوستر با جدیت و سرعت کاملی بدان شروع کرده بود دچار وقفه و تعطیل می‌کرد اساس استقلال کشور را نیز متزلزل می‌ساخت و بدان آسیب فراوان می‌رسانید، از اینرو انتشار خبر مزبور خشم و ناراضی میهن‌پرستان را سخت برانگیخت و ملت ایران در برابر آن از راه اعتصابات عمومی نفرت خود را نشان داد و روش مقاومت منفی در پیش گرفت و استعمال کالاهای روس را تحریم کرد از اینرو نمایندگان مجلس هم در برابر خواست مردم و بمنظور حفظ استقلال و حاکمیت ملی با اولتیماتوم دولت روسیه تزاری بشدت مخالفت کردند.

ولی مخالفت ملت و نمایندگان مجلس مانع از اجرای خواسته دولت روس نگردید، ناصرالملک نایب‌السلطنه ایران بتحریک و تهدید دولت مزبور و دیگر بیگانگان از مجلس تقاضا کرد کمیسیونی برای رسیدگی باین امر تشکیل یابد. کمیسیون مزبور که مرکب از پنج تن از نمایندگان معمر بود در دومین جلسه مشورتی خود بامر ناصرالملک و تهدید روسیه تزاری بانحلال مجلس رأی داد و در نتیجه مجلس دوم در تاریخ ۳ دیماه ۱۲۹۰ ش. مطابق با ۳ محرم ۱۳۳۰ ه.ق (۲۴ دسامبر ۱۹۱۱ م) منحل شد و گروههای بسیاری از نمایندگان و هیأت دولت بفرمان نایب‌السلطنه بقم تبعید شدند و جراید و مطبوعات توقیف گردید.

از وقایع مهم مقارن مجلس دوم قیام فنودالها و برادران شاه مخلوع «محمد علیشاه» در آذربایجان و کردستان و سایر نقاط ایران بر ضد حکومت ملی بود که بطور